

رشد آموزش راهنمایی

سال سوم - بهار ۱۳۷۴ - شماره ۷ - بها : ۱۰۰۰ ریال



- زبان فارسی هم آموختنی است
- هفت پیشنهاد جلال آل احمد درباره انشا
- علم چیست و معلم علم کیست؟
- چگونه کلاس ریاضی را شاداب و مفید کنیم؟
- چگونه تدریس علم جغرافیا در مدارس
- همگامی هنر و ادبیات در آموزش
- بگذارید بچه ها صحبت کنند



رشد ۷ - آموزش فارسی

سال سوم - بهار ۱۳۷۲ - شماره مسلسل ۷

مجله رشد آموزش راهنمایی سه شماره در سال به منظور اعتلای دانش دبیران دوره راهنمایی تحصیلی و دانشجویان مراکز تربیت معلم و سایر علاقه‌مندان منتشر می‌شود. جهت ارتقای کیفی آن نظرات ارزنده خود را به صندوق پستی ۳۶۳-۱۵۸۵۵ ارسال فرمایید.

مسئول هماهنگی: بیج فردعی
تولید: دفتر حات و توزیع کتاب درسی
صفحه آرا: محمد رسایی
ناظر حات: محمد کسری



رشد آموزش راهنمایی

سال سوم - بهار ۱۳۷۲ - شماره ۷ - بهار ۱۳۷۲

- زبان فارسی هم آموزشی است
- هفت پیشنهاد جلال آل احمد در باره ادبیات
- علم چیست و معلمه غلزه کیست؟
- چگونه کلاس ریاضی را جذاب و فعال نگه داریم؟
- چگونه کلاس درس علم جغرافیا در مدارس
- هنگامی هنر و ادبیات در آموزش
- بگذارید بچه‌ها صحبت کنند

مقاله



آموزش فارسی

۳

استانی با کشورهای مسلمان تازه استقلال یافته

مهدی حمزه ۳۷

محمد سمعی ۴

حگونگی تدریس علم جغرافیا در مدارس

دکتر عزیز مومنان ۴۲

۱۳

هفت پیشنهاد جلال آل احمد درباره ادبیات

محمد محمدی ۱۴

تاملی درباره گروه اجتماعی در کتب تعلیمات حسنی

محمد مهدی ناصر ۴۳

زبان انگلیسی



تفاوتها و شباهتهای زبان فارسی و زبان انگلیسی

سهلا یازغی سناک - حمیدہ بیدویس ۱۶

نگاهی به طرح ارزشیابی از فعالیتهای عملی درس ساخت حرفه و فن ۴۸

تور



توری از و ستایی: خطر بر توگیری: نعمت زندی - مهدیه سالار کتا ۲۱

علم چیست و معلمه غلزه کیست؟ ۲۳

هنگامی هنر و ادبیات در آموزش مصطفی حسینی ۵۳

بگذارید بچه‌ها صحبت کنند ۵۶

نامه‌ها ۵۹

مصاحبه ۶۱

معرفی کتاب ۶۳

تفکرات و تأملات ۶۶

مجموعه



واژه‌ها و اصطلاحات تاریخ اول راهنمایی قسمت نخست

مسعود حوریدان ۳۲

• رشد آموزش و پرورش در زمینه‌های مختلف مقالات علمی و پژوهشی

• نشر مطالب علمی و پژوهشی در مجله رشد

• مطالب درج شده در این مجله نظرات غیر از هیئت تحریریه

سر مقاله



۱- اولین شماره مجله ریشه آموزش راهمایی در مهرماه ۷۱-۷۲ انتشار یافت. در هر مقاله آن شماره هدف دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی از انتشار اخبار اجتماعی و اضافه نمودن آن به خانواده دانش جمعیت و کسیر اولاد ریشه آن زمان قریب دکتر حسام عادل ریاضت وقت در زمان برداشتن و برنامه ریزی آموزش - این طور حال شده بود که مقصد ما این است که علاوه بر کتاب درسی که در اختیار معلم و دانش آموز قرار می دهیم معلوم را برای بهبود کیفیت تدریس سیستمی کنیم و امید داریم این کتاب که همه معلمان دوره ابتدایی و مخصوصاً آنها که در شهرها و روستاهای دور افتاده تدریس می کنند و قبلاً از دسترسی به دانش آموزان محرومان است به صورت مرتب برای افزایش مهارت معلمي خود مجله ای اختصاصی دریافت کنند و به صورت سوسه در جریان تک آموزش ضمن خدمت تدریسی قرار گیرند.

تدریس تربیت بود که انتشار مجله ریشه راهمایی آغاز شد و طی دو سال ۶۰ شماره آن در دسترس علاقمندان قرار گرفت و برای مناسبت هر نیمه کشور نیز به زبان انگلیسی ارسال شد. اما تألیف کتاب در لغت زمان اختصاصی ۷۲-۷۳ انتشار همه مجلات ریشه اختصاصی به سه مشکلات تدریسی و مانی و مهمتر از همه کشور گانه موقوف شد و ما می خواستیم به وعده خود خیالگه موز - در مورد ضمن کنیم. با اینکه تا آخر موقوفه سوسه پس از مدتی وقفه در انتشار مجله برای آن برآوردیم. تا همین اندازه می دانیم چند نکته را به اطلاع شما همکاران عزیز و خوانندگان محترم مجله رسانیم.

۱- دوره جدید مجله در چهار شماره منتشر خواهد شد. این اولین شماره است و شماره های بعدی قرار است هر سه در تابستان و زمستان ۷۴ و بهار ۷۵ منتشر شود. تاکنون ۷۲ مجله خواهیم داشت. ۲- از ارسال رایگان مجلات برای مدارس معذوری و در عین حال مناسب هم میسریم همکاران محترم و دیگران علاقمند که نامه ها و اظهار نظرهای قبلی آنها حکایت از متند و مؤثر بودن مجله دارد خود به همه مجله اقدام نمائیم و مخصوصاً مدیران مدارس راهمایی مجله را برای دفتر مرکزی مسترک شوند. توزیع مجلات ریشه به عهده ادارات آموزش و پرورش است.

۲- تردید نداریم که پدیا و دوا مجله بسته به حضور صاحب نظران، مدیران و معلمان است که به جوی ارتباط خود را با مجله گدوم می بخشند. در دو سال گذشته بسیاری از مدیران از قضی نقاط کشور برای ما نامه نوشته اند و با مقالاتی ارسال کرده اند که در مجله به چاپ رسیده است. امید داریم این همکاری ادامه داشته باشد تا ما بتوانیم مجله ای در خور و مناسبه همکارانمان در دوره آموزش راهمایی داشته باشیم. در پایان لازم می دانیم از جناب آقای دکتر علاقمندی خداداد عادل که این مجله ما به رهنمود و به استوانه هست این بیان برای اولین بار منتشر شد و همجنین خواه فرود این شمار که در دو سال اول سردبیری مجله را به عهده داشتند، مبارک و سانسگری کنیم.

دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی



پرورش و توسعه و تکامل این استعداد باید بشویم، آن را تشویق و هدایت هم باید بکنیم. علوم تجربی بیرونی خیال را تعدیل می‌کند، یعنی بچه را واقع بین تر می‌سازد. این دو جنبه باید جمع بشود. نباید گذاشت بیرونی خیال بچه آن قدر آزاد و بی مهار باشد که واقعات را نادیده بگیرد. این نمی‌شود، چون ما به هر حال زندگی می‌کنیم. در جامعه زندگی می‌کنیم و ناچاریم واقعات را ببینیم و برای آنها ارزش قایل شویم. بچه هم باید عادت کند که واقعات را ببیند. علوم تجربی از این جهت کمک می‌کند. علوم تجربی بچه را به واقعات آشنا می‌کند. ادبیت، به عکس، بیشتر بیرونی خیال را پرورش می‌دهد. آن هم لازم است. حتی در علم هم لازم است. چون در علم هم مدل سازی، فرضیه سازی، نظریه پردازی، همه و همه بیرونی خیال سر و کار دارد. نمی‌شود کسی بیرونی تحصیل ضعیف باشد و بتواند مثلاً برای توضیح واقعات، برای بیان واقعات فرضیه‌های تیزابی، نظریه‌های تیزابی، مدل برداری بیادرت، بسازد. وظیفه‌ای ما این است که بیرونی خیال را، فارغ از آن که پرورش می‌دهیم و جلوش را نمی‌گیریم، هدایت کنیم؛ یعنی صورت را استهتر و منظم تر و منطقی تر به آن بکشیم.

این‌ها را گفتیم تا شما توجه کنید که واقعات در درس زبان و ادبیات فارسی چقدر مشکل داریم. در برداری قات زبان و عوارضی که در دست ما امروز وجود آن است اشکالاتی گرفته. این لغات و عوارض عمدتاً از دو راه دامن گیر زبان ما شده است. یکی از راه‌های جنبه‌های ناشیانه، دیگر از راه نوگرایان‌های کلاسیک و نوگرایان. عده‌ای در قلم زدن تازه‌کارها، با این همه می‌خواهند خردمندی کنند و این طور و نمود مسریند که مبتکر و نوآورند. ما باید در کار آموزشی خودمان، قرون وسطان خودمان را از این افات مصون بداریم، یعنی مصونیتی در آنها ایجاد کنیم که از این ناهنجاری‌های زبانی تقویت نکنند. دانش آموز به معلمش ایمان دارد. آنچه ما، در مسین نوجوانی یا کودکی، از معلمش شنیده ایم به ایمان حکیم و حسی متزلزل داشته است. معلم مطلقاً بگوید دانش آموز از این می‌پذیرد. بسر این، اگر ما بتوانیم از این پذیرفتاری دانش آموز استفاده کنیم و به آنها بگوییم که چه عناصر صوری از زبان فرود آمده است، چه عناصر صوری در زبان اقت محسوب می‌شود، آنها زودتر می‌پذیرند. البته به گفتن تنها نباید اکتفا کرد. در همه‌ی مراتب، حتی وقتی که شاگرد صحبت می‌کند و در سخنش خطایی زبانی هست، باید تذکر داد. خود ما هم باید مواظب باشیم، یعنی سر کلام، حتی در اتاق معلمان

چون ما در کشوری هستیم که چندزبانه است و همه دانش آموزان زبان مادریشان فارسی نیست، بهتر است که در درس و بحث زبان شکسته به کار نبریم.

در دفتر، وقتی صحبت می‌کنیم باید مواظب باشیم درست صحبت کنیم. می‌تک وقتی در شورای فرهنگی می‌نشینیم در سر انگلیسی می‌خوانیم، معلوم در دفتر هیچ گاه زبان شکسته صحبت نمی‌کرد، البته نمی‌گویم که زبان شکسته صحبت نکنید، چون در می‌توانیم از این نظم متفاوت است. شاید زبان شکسته از نظر اصحاب به ما می‌گفت. من خودم الآن زبان شکسته صحبت می‌کنم و ولی بهتر است که در بین راه‌های ما که تغییرات را ایجاد کرده کار ببریم، نه تنها در کلام بلکه در جرح از کلام. وقتی به دانش آموز روبرو هستیم، کلمات را درست ادا کنیم، جویده ادا کنیم. از بعضی از استادان وقتی تعریف می‌شود یکی از محاسبات همین درست ادا کردن سخن یاد می‌شود؛ مثلاً مرحوم دکتر یوسفی، مرحوم دکتر زنجانی زامی گویند که عبارات را درست ادا می‌کردند. شعر در سبک شامی شعر هم می‌سازد که استاد در این باب تأکید دارد. معمولاً استادان با قدری درست ادا می‌کنند، نعم ادا می‌کنند، به صورتی که ادا شدن از زبان الهی مستند هم نباشد از این حیث اشتکالی ندارند. حتی لغت و تعبیری را که با آن آشنا نباشید تلفظش را، چون ندانم است، ادا می‌کنند. زبان حساری ما شکسته شده است و این باید فکری و طبیعی بوده است. ولی بهتر است، آن می‌توانیم با شاگردان به زبان شکسته صحبت نکنیم چون کشور ما چندزبانه است. همه‌ی مردم کشور ما زبان مادریشان فارسی نیست یا گویشی از گویش‌های ایرانی است یا حتی زبان غیر ایرانی است. البته زبان فرهنگی عام و مشترک همه‌ی ایرانیان فارسی است و ایرانیان عموماً به آن علاقه دارند و به آن سخن می‌گویند.

بازی، چون ما در کشوری هستیم که چندزبانه است و همه‌ی دانش آموزان زبان مادریشان فارسی نیست، بهتر است که در درس و بحث زبان شکسته به کار ببریم. مسئله‌ی دیگر این که ما خودمان هم باید شمر زبانی خود را تقویت کنیم. آن شمر زبانی خودمان را تقویت کنیم یعنی توانیم این را به دانش آموزان منتقل کنیم. شورایی را که چه راهی می‌شود تقویت کرد؟ از راه خواندن و شنیدن سخن، مطالعه، مجالز درست، یعنی ما باید مطالعه کنیم زبان فارسی را به شیوه‌ی



به جرأت می توان گفت که از فارغ التحصیلان حتی دوره دکتری ادبیات انگشت شمارند کسانی که سراسر شاهنامه را خوانده باشند، تمام حدیقه‌ی سننایی را خوانده باشند، تمام مثنوی را خوانده باشند.

در دکتری می‌ساختند، در آنجا استادی چاقو می‌ساخت، شاگردی را تربیت می‌کرد و رابطه‌ی استاد و شاگردی سخن آنها بود. الان دیگر چاقو را اگر حسام می‌سازد، شوالین، در پنج نسخه کار هست. در پنج اصلاً نوع آموزش فرق می‌کنند، نوع تربیت جامعه‌ای فرق می‌کند. همه چیز فرق می‌کند. در ادبیات و زبان هم همین اتفاق افتاده است. ما دیگر نمی‌توانیم با وسایل قدیم این کار را کنیم، سعی می‌کنیم که یک معلم اثبات داشته باشیم و این کار را نکنیم، با یک معلم خط داشته باشیم و این کار را نکنیم. ولی تکنولوژی همیشه آموزشی را وسایل دیگری در اختیار ما گذاشته که ما از آنها می‌توانیم استفاده کنیم، مثل رسانه‌های گروهی، مطبوعات، رایوو، تلویزیون، نوار. اگر ما از اینها درست استفاده کنیم، مقداری از مشکلات استاد می‌شود. مثلاً فرض کنید که افراد بسیل می‌آیند، آثار تازه را می‌خوانند؟ آثار بهار، رشید یا سمنی، مطیع اللوله جباری، صدق هدایت، نصرالله فلسفی، همایی، و امثال آنها. ولی حالا این قلمو خیلی زیاد شده است. شده بیست، اگر احضار شده، شده هزار برابر شده است. اینها همه نشان این قلمو حرفه‌ای که هستند و بیار جامعه این‌ها را اسوق داده است به نویسندگی. در جشن و مراسم و احوالی دیگر با روش‌های قدیم به می‌توان این قلمو برین کار و به می‌توان به آفت فلسفی سرزده کرد. با روش‌های تازه پیدا کرد. مثلاً همین کتاب غلط نویسیم یکی از وسایل سرزده است. از این کتاب‌ها بیرون بران شود. شما خودتان هم باید بنویسید، چون مشکلات، شما می‌دانید یا لااقل شما باید مواد این کتاب‌ها را فراهم کنید. در همین محله نشر دانش صفحه‌ای باز شده با عنوان افروسی نویسیم خوب، شما با این صفحه همکاری کنید. در محلات دیگر هم همین طور. در حداد و سیما هم قرار است که جیب پاره‌های ایجاد شده و اسباب‌آلودگی بدهد. دیگر آموزش زبان‌ها را از روی مسبق نمک پدید بیست. در آن موقع‌ها یک لوبقو خشک می‌بود بعد از این بین‌دورها، بوجه‌ها، و در دستش سوغات و از آن نعمت می‌گرفت. اول کاری که می‌کردند چو کسبویس را یک کسبویس می‌گرفتند. این باعث می‌شود که مبلغ زیادی چیزها را بکسبویس می‌گرفتند. این کار نمی‌شود. اکنون در عرب، در دنیایی که مواد همگانی است، آن‌ها

وقتی فلان حادثه رخ داد رنگ و روی فلان چه گونه بود یا توجه می‌دهد که نویسنده با چه فوت و فن‌هایی قصه‌سازی یا توصیف کرده است. یعنی عملاً نویسندگی را یاد می‌دهند. بنابراین، مذاکره‌ی علاقه داشته باشیم به حرفه خودمان و ابعاد میدان بسیر و میبویست و برای مطالعه خود ما هم جالب است. از جبهه‌ها برواتی خواهیم دید که خودمان انتظارش را نداریم و همین معنی است که درس زبان و ادبیات فارسی را اجالب می‌کنند. خیلی معنون. بنده خصوصاً برای پاسخ به سوالات.

س. علل این فترت ادبیات را در جامعه‌ی ما شرح دهید و چگونگی مبارزه با آن را

ج. من فکر می‌کنم که در همدان اول سخننامه به اشرار جواب این سؤال را داده‌ام. گفته این یک چیز طبیعی و قهری است. بعضی نمی‌شد جلوش را گرفت. وقتی که آموزش همگانی شد، این عوارض خود به خود پیش می‌آید. شما می‌دانید که الان امکان این که عجلای فرض کنید به تعداد کلاس‌های هفتی که داریم در سراسر کشور معلم‌ها در دسترس سنگداریم و خود سبازد. در کشور ما نسبت مدرسه‌روندگان خیلی زیاد است. آن وقت‌ها نبود. من خودم یادم است که ما وقتی دبستان را گذرانیم، یک همشاگردی داشتم که پس‌روگری بود و در ریاضی هم خیلی قوی بود، از همه‌ی ما قوی‌تر. در واقع، شاگرد ممتاز کلاس در ریاضی از بود. با این همه او وقتی که ابتدایی را تمام کرد وقت دکان‌زگری پدرش و کار پدرش را اشغال کرد. آن موقع‌ها خودشان نمی‌آمدند به دبیرستان، الان همه می‌آیند. من خودم خانواده‌هایی را در رشت می‌شناختم که مثلاً سه چهار ناپسند داشت، اینها هر کدام صنعتی داشتند. هیچ‌کدامشان درس خوانده بودند، حتی سواد هم نداشتند. آن وقتی که آموزش همگانی شد، طبعاً آموزش از نظر کیفی نازل کرد. البته نمی‌خواهم بگویم بدکاری کرده که آموزش را همگانی کردیم. وقتی آب در بستر تنگی جریان دارد عمیق است. وقتی به بستر گشادی می‌رسد عمقش کم می‌شود ولی از ارضی بیشتری را در بر می‌گیرد. همیشه همین‌طور است. وقتی ما بر کعبت تکیه کنیم، کیفیت خود به خود پایین می‌آید. دیگر یا شیوه‌های قدیم شاگرد استادی نمی‌شود تربیت کرد. آن موقع‌ها کار با چاقو را



بحسب اینکه کتبهای جدید بلاغت را، می‌پسند که بر از معانی زبان شناسی است. مثلاً با کوبسن، یکی از دانشمندان مشهور، مقدار زیادی از کارش در زمینه‌ی ادبیات و جنبه‌ی هنری زبان است، منتها در علمی، بنا بر این، این که گوییم ادب و زبان شناسی، دیگر حلاً معنی ندارد. فقط می‌شود گفت که زبان شناسی وارد ادبیات می‌شود و ادب هم نیز دارد که به معنای و معنی زبان شناسی است. اگر ادب محقق باشد، یعنی بخواهد تحقیق ادبی بکند، ناگزیر بیاورد زبان شناسی باشد. باید با این علم آشنا باشد. در زبان شناسی و در دستور اصطلاحات تازه‌ای آورده‌اند که در قدیم این اصطلاحات بوده است. از هم ضرورت داشته، نفس و سازی بوده است. با حضور علم زبان شناسی، کسی که دستور می‌نویسد باید زبان شناس باشد، ناگزیر باید زبان شناس باشد. مسئله‌ی این که این عبارت درست است یا درست نیست دیگر است و این عبارت ادبی است یا نه دیگر این را، هم زبان شناس قبول در دهه ادب، ادب هم می‌گوید. بماند به این نظر نحوی درست است و این آسانه نیست. زبان شناس هم می‌گوید بماند این از نظر ساحت زبانی درست است و این آسانه نیست، یا هم درست است و هم آسانه. با این فلان سبک مثلاً خوب در نمی‌آید. با فلان سبک سازگار نیست. به هر حال این اختلاف ادب و زبان شناسان امری است که کذب و باطنی از دانشمندان و نویسندگان موقت و گذرا، بعدها دست بویا زبان شناس خواهد بود و زبان شناس پیش از پیش وارد مطالعه‌ی جنبه ادبی زبان خواهد شد. چنین نیست که این دور از هم جدا باشد. در نظر که اهل اصطلاح هستند نمی‌توانند. با کتب دیگر تفاهم برقرار کنند. باید اهل اصطلاح باشند. چون آن وقت باید روی یک تک اصطلاحات ایستاد و توضیح داد و برآورد. نمی‌شود که شما با سبک نفر در یک بحثی وارد شوید و شما چیزی بگویید او چیزی دیگری نفهمد. مثل این که با یک حقوق‌دان وارد بحث نشوید، یا با یک ریاضیدان وارد بحث شوید. خوب معلوم است شما حرف آنها را نمی‌فهمید، چون اصطلاحات حقوقی را نمی‌دانید، اصطلاحات ریاضی را نمی‌دانید. این سوء تفاهم‌ها فقط از همین ناشی می‌شود. در بسیاری از موارد زبان شناس و ادیب یک حرف می‌زنند، ولی حیل می‌کنند حرف مخالف می‌زنند. در مورد قسری بعضی و آقایی بعضی هم. البته این اختلاف نظر همیشه هست. اختلاف سلیقه‌ها همیشه هست. ممکن است مقداری حق با این باشد، مقداری حق با آن. باید خود را در قضاوت کنید و ببینید کدام درست است.

س. سازمان تألیف کتب درسی، به جز تألیف کتاب ساده‌ی درسی ناکافی، در زمینه‌ی رشد استعداد، در سازه‌ی املا، انشا و رشد ذوق الگویی دهد.

ج. این واقعاً این طور است؟ اولاً اشاره به کدام کتب درسی است. کتب‌های درسی که الان رایج است یا کتب درسی که به طرح نو تألیف می‌شوند؟ در طرح نو کوشش شده است که الگوهایی داده شود. مثلاً در مورد نگارش راه‌هایی پیش نهاد شده که از کجا شروع شود، چه که به بومی نگارش پرورش پیدا کند، تکامل پیدا کند این

را حتماً وزیر با مقصدی اش هستند خودشان هم علاقه دارند. این کار را می‌کنند. کتاب درسی قدیم را این از این جهت مطالعه نکند.

س. در حالی که تدریس علوم ادبی نه شیوه انتزاعی و سخنرانی و فاقد روش اکتشافی مشاهده‌ای است، برای تدریس باید در این رشته چه نظری دارید؟

ج. چرا باید فاقد روش اکتشافی باشد. شما می‌دانید که در واقع درس ریاضی شناسی خواننده‌ایند، درس آموزش و پرورش خواننده‌ایند. روش‌هایش را خواننده‌ایند. این روش‌ها را در درس ادبیات هم می‌شود به کار بست. مثلاً چه روشی هست که نمی‌شود بکار بست؟ به نظر من استاد در این نظر نافته‌ی جدا افتاده‌ی روش‌ها در این روش‌ها هم می‌شود به کار بست. معلم باید به کار ببرد.

و السلام

أَوْضَعُ الْعِلْمَ مَا وَكَّفَ عَنِ
اللِّسَانِ، وَأَرْقَعَهُ مَا ظَهَرَ فِي الْجَوَارِحِ
وَالْأَرْكَانِ.

فروترین علم آن است که بر سر
زبان است و برترین، آن که میان دل و
جان است.

حکمت ۹۲ نهج البلاغه

تفاوتها و شباهتهای

زبان فارسی و

زبان انگلیسی

A

ABC

| قسمت اول این مقاله در چهارمین شماره مجله (پاییز ۷۲) به چاپ رسید. اصل مقاله انگلیسی است و از کتاب
Learner English. A teacher guide to interference and other problem
بوسیله خانم شهلا زارعی نیستانک و آقای جمشید دیندوست ترجمه شده است. |

رسم الخط و علامت گذاری در فارسی

(Orthography and punctuation)

همان طور که قبلاً اشاره شد، فارسی به خط عربی نوشته می شود و این خط کاملاً با خط لاتین انگلیسی تفاوت دارد. فارسی با حروفی که با استفاده از قوانین مشخص بهم وصل می شوند، از راست به چپ نگاشته می شود. برای یادگیری انگلیسی، فارسی زبانها معمولاً محورند الفبای کاملاً متفاوت و طور نوشتن جدیدی یادگیرند. در نگارش زبان فارسی از حروف بزرگ استفاده نمی شود و تسلط برای نگارش در زبان انگلیسی تقریباً مشکل است. اعداد فارسی اگرچه مشابه اعداد عربی هستند ولی با اعداد انگلیسی متفاوتند. اعداد فارسی از چپ به راست نوشته می شود و قواعد مشکلات بسیار کمی را ایجاد می کنند. مبتدیان احتمالاً در موارد زیر، با اشکال روبرو می شوند

۱- حروفی که تصاویر آینه ای (mirror images) دارند. مانند 'b' و 'd'، 'p' و 'q'

۲- ترکیبات حروفی که فکر آنرا با استفاده از چپ خوانده شود. مانند 'top' و 'form' و 'from'.

۳- املاء کلمات در فارسی به دستور ثابت و آسانی است یعنی همان طور که نوشته می شوند، خوانده می شوند و نوشته های کسی انگلیسی نیز از سوی دانش آموزان از این طریق نوشته می شوند. به علت نبود انگلیسی آمریکایی در گذشته، املاء آمریکایی کلمات نظیر 'color' بیشتر مورد استفاده می می گردید.

علامت گذاری (Punctuation)

تا اواخر قرن نوزدهم علامت گذاری در فارسی ساده تر بود.

A B C

پس وقت واهی در طول جمله بیان گذشته شیوه افلاک کلماتی تغییر
 که داده است. تا اینجانب فارسی استاد در استفاده از کمال و
 علامت سوال از کلماتی که علامت سوال علامت سوال
 برعکس یعنی نه وقت است "؟" و کلمات به خصوص به آن
 نوشته می شود. عطف، حرف ربط، جملی به کار می رود و
 عالی به کار می رود. به کار می رود. به کار می رود. به کار می رود.
 اگر جمله در روزه روزی است و مشخصی در روز به نظر نمی آید
 فارسی از علامت کلمات استفاده نمی می شود. به کار می رود.
 فارسی از علامت کلمات استفاده نمی می شود. به کار می رود.
 فارسی از علامت کلمات استفاده نمی می شود. به کار می رود.

تا فارسی از علامت کلمات استفاده نمی می شود. به کار می رود.
 به کار می رود. به کار می رود. به کار می رود.
 به کار می رود. به کار می رود. به کار می رود.

می شود. به کار می رود. به کار می رود. به کار می رود.
 به کار می رود. به کار می رود. به کار می رود.
 به کار می رود. به کار می رود. به کار می رود.

دستور زبان (Grammar)

مادوری کلی

از نحوی که فارسی به کار می رود. به کار می رود. به کار می رود.
 به کار می رود. به کار می رود. به کار می رود.
 به کار می رود. به کار می رود. به کار می رود.

به کار می رود. به کار می رود. به کار می رود.
 به کار می رود. به کار می رود. به کار می رود.
 به کار می رود. به کار می رود. به کار می رود.

از چه فعلی (to have داشتن) در فارسی وجود دارد. به کار می رود.
 به کار می رود. به کار می رود. به کار می رود.
 به کار می رود. به کار می رود. به کار می رود.

سؤالات تأکیدی (Question tags)

فرمان فارسی از سؤالات تأکیدی در حد وسیع استفاده
 می شود. (Why not) تقریباً تمام موارد به کار
 می رود. به کار می رود. به کار می رود.
 به کار می رود. به کار می رود. به کار می رود.

He said he was coming, didn't he?
 به کار می رود. به کار می رود. به کار می رود.

* He said he was coming. Why not?
 به کار می رود. به کار می رود. به کار می رود.

You said you would pay me back, didn't you?
 به کار می رود. به کار می رود. به کار می رود.

* You said you would pay me back. Did you?
 [مثنی که نویسنده آورده، فارسی در است. در فارسی
 قسمت انتهایی به صورت انگلیسی مرسوم می باشد.]

زمان، زمان دستوری و وجه زمان

(tense and aspect, Time)

گذشته (Past Time)

به کار می رود. به کار می رود. به کار می رود.

I saw a beautiful girl yesterday
 * Yesterday a girl beautiful (I) saw.

جملات سؤالی و منفی - افعال کمکی (Questions and negatives, auxiliary)
 به کار می رود. به کار می رود. به کار می رود.
 به کار می رود. به کار می رود. به کار می رود.

When did you come to England?
 * When you come to England?

ممکن است در فارسی جمله ها را از بدون پیشوند است
 به کار می رود. به کار می رود. به کار می رود.
 به کار می رود. به کار می رود. به کار می رود.

She didn't eat supper.
 * She not eat supper

به کار می رود. به کار می رود. به کار می رود.

فعل کمکی داشتن (to have) درست می‌شود و معنای آن مشابه معنای زمان حال استمراری انگلیسی است. البته نوع دیگری هم هست که مشابه حال ساده انگلیسی است و برای بیان و افعال هدی کلی و دائمی به کار می‌رود.

در فارسی زمان آینده‌ای نیم وجود دارد که با فعل کمکی خواستی (to want)، درست می‌شود اما این مورد کاربرد بسیار رسمی دارد. در گفتار هرگز به کار نمی‌رود و لسی خیلی کم در فارسی نوشتاری جدید مورد استفاده قرار می‌گیرد. البته است بدانیم که امروزه «خواستن» در این کاربرد، هم در گفتار و هم در نوشتار به کار می‌رود. مستنداً «امروزه‌ای» خواهم به مستندات بروم ام!

افعال کمکی یا افعال وجه نما (Modal verbs)

در فارسی افعال مُدال (معین) کارشناسی است انگلیسی است هم مُدالها و هم افعال اصلی می‌توانند صرف شوند و بر موضوع ممکن است به انگلیسی نیز تقویت کنند. مثال: I can I go
[جمله درست I can go (می‌توانم بروم) است. از نظر نویسنده (I) دوم یعنی (م) آخر جمله اضافی است. م] اما مشکل در موقع استفاده از مُدالها پیش می‌آید. در فارسی معانی زیادی که در انگلیسی از طریق مُدالها بیان می‌شود وجود ندارد و از اینرو بیشتر آنها مسئله سازند.

اشکال عبارات مصدری / اسم مصدر (Non - finite forms)

در فارسی از اسم فعل یعنی شکل ING - افعال استفاده می‌شود. شکل مصدری نیز در جای خود به کار می‌رود. اما موقع کاربرد انگلیسی، هرکجا تفاوت این دو لازم باشد، فارسی را مُدال به شکل برمی‌خورند. مثال:

* Instead to fight , they danced.

جمله صحیح: Instead of fighting , they danced

حروف تعریف (Articles)

در فارسی حرف تعریفی وجود ندارد و هرکجا لازم باشد، به اسمی پسوند همین اضافه می‌شود که نشان می‌دهد، این اسمی بر روی معین هستند یا نامعین.

کاربرد حروف تعریف نیز کملاً انگلیسی متفاوت است و فارسی زبانان در تمام موارد استفاده از حروف تعریف، مشکل روبرو می‌شوند. یک جمله نمونه:

* His father is milkman.

در فارسی به جای اینکه بگویند:

Simple past and present perfect)

در فارسی هم زمان گذشته و هم ماضی نقلی یا فعل کمکی (بودن) درست می‌شود، اما تفاوت در استفاده و معنی آنها مانند انگلیسی نیست. [بد نیست بدانیم که نویسنده مقاله به جدی ماضی بعید، اشتباهاً از گذشته ساده به یاد کرده است.] در گفتگوهای روزانه هرکدام از آنها گاهی به جای دیگری به کار می‌رود. بنابراین فارسی زبانان در استفاده از این دو زمان با مشکل روبرو می‌شوند. مثلاً به جای اینکه بگویند:

'Star Wars' I have seen می‌گویند:

* 'I saw Star Wars.'

با در جمله دیگر می‌گویند:

I lost my purse. Did you see it?

۲- گذشته استمراری (Past progressive)

در فارسی زمان گذشته استمراری با فعل کمکی داشتن to have درست می‌شود و این استفاده به این منجر می‌شود که به جای اینکه بگویند:

When I arrived, he was eating his dinner.

می‌گویند:

* When I arrived, he had eating his dinner.

۳- نقل قول غیر مستقیم (Reported speech)

در زبان فارسی نقل قول غیر مستقیم مستقیماً از زبان گوینده نقل می‌شود. علائم نقطه گذاری معمولاً حذف می‌شود و علائم نقل قول نیز دقیقاً رعایت نمی‌شود. برای زبان آموز فارسی قواعد دقیقی که برای نقل قول غیر مستقیم انگلیسی وجود دارد، پیچیده و غیر ضروری به نظر می‌رسند. مثال:

* He said I am feeling ill.

به زمانهای حال و آینده

(Present and Future Tenses) زمان حال در فارسی

نقشهای گوناگونی دارد:

۱- مانند انگلیسی - بعنوان زمان حال استمراری - برای عملی به کار می‌رود که در حال حاضر در جریان است:

He is reading a book.

۲- نظیر انگلیسی برای نشان دادن به کار می‌رود که از گذشته شروع شده و تا حال ادامه دارد:

I have lived here for two years.

۳- مانند انگلیسی برای زمان آینده به کار می‌رود:

He will come./He is coming next week.

نتیجه این کاربردها این می‌شود که دانش آموزانی که می‌خواهند مطلبی به انگلیسی بنویسند، موارد استفاده حال استمراری، ماضی نقلی و تا حدودی زمانهای آینده را با هم اشتباه کنند.

باید دانست در فارسی نوعی زمان حال استمراری نیز هست که ن

* The man which was here

ضمناً ضمیر مفعولی نشد پیرو که در انگلیسی حذف می شود.
در فارسی مورد استفاده قرار می گیرد:

* The book , which I gave it to you

* The man which I saw him

ب- جمله های شرطی (Conditional)

جمله های شرطی از نوع محتمل (probable) یا غیر محتمل (improbable) در فارسی و انگلیسی اساساً یکسان ساخته می شوند. اما نوع سوم یعنی غیر ممکن (impossible) متفاوت است. در این مورد در فارسی برای سبب به (اصلی) زمان گذشته به کار می رود و در نتیجه به جای

If I had finished my work , I would have gone to the party .

چنین جمله ای به کار می برند:

If I had finished my work , I went to work.

ب- تضاد (Concession)

در فارسی معادل‌های although (اگر چه) و but (ولی) در یک جمله به کار می رود. این کاربرد اغلب به انگلیسی نیز منتقل می شود. مثال:

Although he had no money, but he travelled to America.

حروف ربط (Conjunctions)

در فارسی حروف ربط خیلی بیشتر از انگلیسی مخصوصاً در آغاز جمله‌ها مورد استفاده قرار می گیرد. از آنجایی که معمولاً تکرار حروف ربطی که به کار می رود and (و) است. فارسی زبانان همیشه چند بند (clause) را معمولاً داشته‌اند و او را بهم مربوط کنند.

لغات فارسی (vocabulary)

به اینکه فارسی بگ زبان هندواروپایی است اما از نظر دایره لغت تشابهات کمی هم با انگلیسی و فارسی وجود دارد. لفظ مربوط می شود به چند کلمه غیر فنی نظیر mother (مادر) و brother (برادر) که هر دو ریشه هندواروپایی دارند. از سوی دیگر فارسی لغات زیادی دارد که ریشه عربی دارند. بقیه نیز به ریشه فارسی داستان دارند یا ریشه زبان پهلوی.

با ظهور تکنولوژی جدید تعدادی از کلمات علمی و فنی به زبان فارسی وارد شده است که ریشه اروپایی دارند نظیر: radio (رادیو)، television (تلهویزیون) و helicopter (هلی کوپتر). بسیاری از آنها کاربرد بین المللی دارند ولی تلفظ آنها - الگو های فارسی مناسب شده - مورد

استفاده قرار می گیرند. با اینهمه بیشتر این لغات مسائل مذاجر زبانی (interference) را یا خود به هم را آورده اند.

فراگیری لغات انگلیسی، از سوی یک فارسی زبان خیلی مشکل تر از مثلاً یک فرد اروپایی است و دیران باید انتظار بیش از حد از فراگیری داشته باشد. همین طور نمی شود فرض را بر این نهاد که تو آموز کلمات زیادی را به طور طبیعی از طریق خواندن یا محاوره روزمره یاد نگیری. مخصوصاً فارسی زبانها می خواهند تعداد زیادی از لغات را از روی فهرست مترادفها از یاد کنند و این در حالی است که می بینند فهمیدن لغات مشکل است و آنها می توانند مقدار کمی از این زبان را عملاً به کار ببرند.

اسمی مرکب اغلب مستقیماً از فارسی به انگلیسی ترجمه می شود که اشکالات عجیبی به وجود می آورد. در نمونه:

* a work house (kar khane - معنای لغوی:

house of work) = a factory

* a book house (ketab khane - معنای لغوی:

house of book) = a library

ترکیبهای نادرست

از آنجایی که مشکلات کمی منابع لغات انگلیسی و فارسی وجود دارد، ترکیبات نادرستی نیز درست شده است. بسیاری از مسائل از کلماتی ناشی می شود که زبان فارسی آنها را به فرض گرفته. معنی مصدوت به آنها داده است. تا امروز انگلیسی وقتی با این لغات که قبلاً وارد فارسی شده مواجه می شود، فکر می کند این کلمات همان معنایی را که در فارسی داشته اند در انگلیسی ببرد. مثلاً:

lastiki برابر شده با تیر ماشین به الاستیک (elastic) به

معنی شیشه کش

machin برابر شده با ماشین سواری، لانه ماشین (ma-

chine) به معنی یک دستگاه

nylon برابر شده با کپسه پلاستیکی، نه نایلون (nylon) به معنی

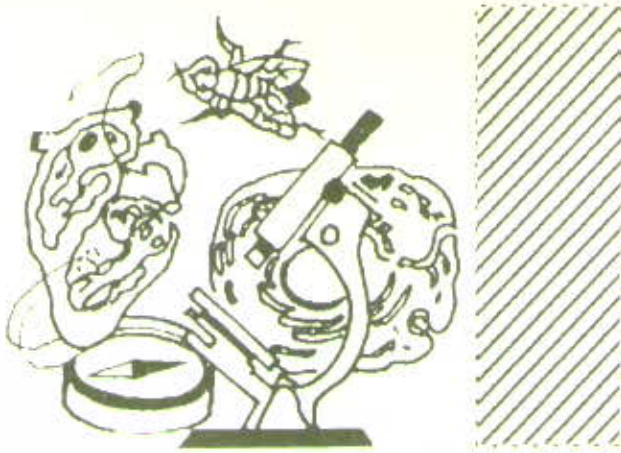
پلاستیک

chips برابر شده با سیب زمینی برشته (crisps) (انگلیسی

آمریکایی) که به chips به معنی تکه های خورده شده

منبع:

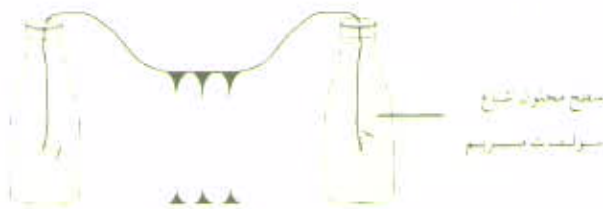
Learner English: A teacher's guide to interference and other problems Edited by: Michael Swan and Bernard Smith. Cambridge university press. 1990.



شدن محل ضربه، دردی را احساس خواهید کرد. در واقع این عمل باعث شده است که اعصاب شما دائماً در حال تحریک باقی بماند و انعکاسی شایع بدهند (مبارک‌داری پیدا کنند). پودر ThO_2 نیز بخاطر رادیواکتیو بودن آن، بدن میان عمل می‌کند. پرتوهای خروجی از این ماده، رشته‌های عصبی را امپیران کرده و آنها را سریع‌آسی می‌کند و در درد دندان را تسکین می‌بخشد. با این حال یکبارگیری این پودر، بدن مسطور به هیچ وجه توصیه نمی‌شود. در ضمن پیشنهاد می‌شود که هنگام نصب توری به چراغ، همچنین جمع آوری پودر آن، از دستکش استفاده نمایید که در حد ممکن از آلوده شدن به مواد رادیواکتیو در امن باشید و در صورتی که دستتان آلوده شد حتماً دست خود را فوراً با صابون بشویید.

لموری شدن آن ایجاد می‌شوند.

در ادامه کار ممکن است که قطعه‌هایی از سطل را در روی زمین پهنه و همسند حالت قبل ولی این بار بر روی زمین دست‌های ایجاد شود که همسند است لاکمیت است. نحوه عمل در اینجا همسند تشکیل است لاکمیت‌های طبیعی درون غذاها می‌باشد.



برای اینکه مجموعه ساخته شده قبلاً حمل و نقل داشته می‌توانید آن را بر روی یک تخته یا ... قرار دهید. حال شما باید با به کارگیری قوه اشک و خلایق خونین یک نوع مصنوعی بسازید. مثلاً به جای یک ریسمان چند ریسمان مختلف از الگوهای اتصال شروع قرار دهید و ...

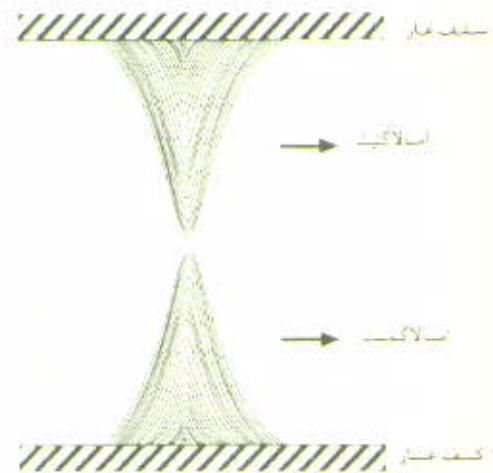
پیشنهادهای

- ۱- Aus der Weltansch.
- ۲- Fachhändles
- ۳- Fachzeitschrift



آیا می‌توان استالاکتیت و استالاکمیت مصنوعی ساخت؟

هدف اصلی ساختن استالاکتیت (ستون‌های از جنس کربنات کلسیم یا آهک که از سقف غارها آویزان است) و استالاکمیت (ستون‌هایی از جنس کلسیم که از کف غار به طرف بالا کشیده شده است)



مواد و لوازم مورد نیاز: مولفات منیزیم (سفید رنگ) یا مولفات مس (آبی رنگ)، در بطری شیر، دو سوزن ته‌گرد، نخ محکم‌تری نه طول حدود ۳ مترمتر (نخ نسبتاً ضخیم بهتر است).

روش کار: در درون هر دو بطری تا حدود $\frac{1}{3}$ حجم آن محلول سیر شده (اشباع) از مولفات منیزیم که قبلاً در آب گرم نهاده رسوده است بریزید. سپس دو سوزن ته‌گرد را به دو انتهای نخ گره بزنید و مطابق شکل زیر در بطریها قرار دهید و بدانی چند روز آن را به حال خود بگذارید.

طی چند روز از حرکت محلول اشباع در امتداد ریسمان و تجمع آن در مرکز نخ و سپس تحمیل آب محلول، ساختارهایی شبیه به استالاکتیت ایجاد می‌شود که این ساختارها از تجمع نمک منبوس و ...

یک
هدف علم
در این است که با
شاگردان در تفسیر مسائل
روزمره ای که با آنها برخورد
دارند تعمیم دادن را یاد بدهد.

جنوب می ایستد. شما مطمئن می شوید که دانش آموزان دقت لازم را در بررسی خود به کار می برند و می فهمند که واقعاً چه می خواهند. سپس توضیح می دهید که علت نشأت بودن جهت عقربه چیست. بعضی توضیحات قانع کننده اند و بعضی دیگر هستند شما می پرسید: چطور بهمیم که چه کسی درست می گوید و شاگردان جواب می دهند. اقتباس علوم را بحواسم، از معلم فیزیک پرسیم این آزمایش کنیم؟ پس شاگردان پیشنهاد می دهند، جواب پیدا می کنند و در آن دقت لازم کنترل می کنند. مسئله حل شده است. حالا می توانند از دانش خودشان و البته به طریق ساده استفاده کنند. این راه مستند اگر درست به کار رود، برای شروع حل مشکلات آنرا خوب است و نتایج خوبی به بار می آورد.

سخنرانی های کوتاه و بلند در مورد
زیباییهای طبیعت دردی را دوانمی کند
صحبت تنها درباره پروانه های زیبا،
زنورها و گلها هم زیاد مفید به نظر
نمی رسد. بگذارید سعی کنیم تا به آنان
یاد دهیم که ببینند، از نزدیک نگاه کنند.

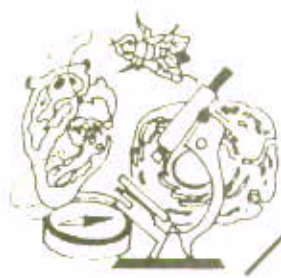
ای دانش آموزان راهنمایی دهوشی داشته باشید می توانید قدمهایی تاریخی بردارید. البته اقدام از این طریق احتیاج به زمان دارد. در واقع دقیق بار آورد. در مورد دانش آموزان نباید معجزه به خرج داد. شما از دانش اموزان می خواهید که از روش علمی برای تفکر در ضمن کار پیروی کنند. مثلاً می گوید هیچ پدیده ای خود به خود اتفاق نمی افتد، بلکه علل متعددی برای آن وجود دارد، پس دقیق باشید. در برابر عقاید دیگران روشن فکر کنید و تعصب به خرج ندهند. نتایج را به مرحله اعتماد نرسید. اندیشه خود نگاهدارید. سوال سبب اعتماد قابل اعتماد بگردید. قابل باشد در صورتی که به اثبات خود پی برده. نحوه تفکر خود را عوض کنید، هرگز در رسیدن به نتیجه تعصب نداشته باشید. در مورد اثبات گنگو داشته باشید و توضیحات شفاهی قانع شوند.

اینها، چند نکته از نحوه تفکر به روش علمی است که یک معلم در آزموده می تواند در دانش آموزانش به وجود آورد. در این مورد آنچه هر چه زودتر با این روش آشنا شوید بهتر است. سپس شما می خواهید علائق دانش آموزان را به معلم هدایت کنید. طبیعت در مورد بسیاری از چیزها علاقه شما برانگیزد. آن بیست و

شخص جالبی است و اطلاعاتی درباره محیط می تواند یک نفر را فرد مطلعی سازد. معنی این جمله این است که شما ذهن دانش اموزان را بر از حقایق کنید تا آن بتوانند هر جای حالی را در محاوره و صحبت پر کنند. بلکه شما باید به آنان تعمیم و تفسیر مسائل موجود در محیط خود را بیاموزید. یک کودک ۱۰ ساله بدون نیاز به حفظ کردن این که گل گیاهان لاله دارای سه کاسبرگ، سه گلبرگ همبرگ کاسبرگها، شش پرچم و یک مادگی و غیره است. می تواند زندگی کند، اما تصور کنید که او پس از یک آزمایش در مورد چندین گیاه یاد بگیرد که: گیاهان و جانوران از روی بعضی خصوصیات مشترک به دستخاستی تقسیم بندی می کنند و دانش این خصوصیات وی را قدر می سازد که نمونه های یک گروه و نیزه را تشخیص دهد. چنین تعمیمی می تواند او را در تشخیص گونه ها و نمونه هایی که می بیند، کمک کند. عادات آنها را مطالعه کند و در مورد تولید و مضرات آنها و بسیاری چیزهای دیگر آگاه شود. او از مطالعه دقیق و مشاهده به این تعمیم رسیده است و از مجموعه واقعه های بسیار، اندک و کوچک به یک ایده بزرگ رسیده است. پس یک هدف در علم این است که به شاگردان در تفسیر مسائل روزمره ای که با آنها برخورد دارید تعمیم دادن را یاد دهد. هر چه نامه مطالعه مسائلی که در زندگی دانش اموزان ایجاد تنوع و تفاوت می کنند نزدیکتر شویم. به در آوردن یک برنامه عملی نزدیکتر شده ایم.

شما قطعاً نمی خواهید وقتی دانش آموزان بزرگ شدند صورت تفکر غلطی داشته باشند، بلکه مانند انسان دارای نوع تعمیمی تفکر که روشی متکرر شده و تازده است بشوند. ممکن است این نوع تفکر را طریقه علمی یافتن جواب صحیح نام گذاری کنیم. این روش زیاد هم جدید نیست و شما آن را در حدب و در موضوعات دیگر به کار بسته اید. مثلاً شرح مسائل، پیشنهاد نظریات مختلف، جمع آوری شواهد، پیدا کردن نتایج و کنترل آنها بر اصل روش علمی است. منظور این نیست که هر وقت مشکلی پیش آمد شما این قدمها را بردارید و شاگردان را وادار کنید این راهها را طی کنند. عملاً طریقه علمی حل مسائل، احتیاج به طی چنین مراحل قانونی ندارد. مثلاً شاگردان میسند بدانند چرا عقربه قطب نما همواره به سمت شمال و

سایش وی بر انگیزنده خواهد شد.



بر از چند هفت است که از هر کجای که بود به جریش می‌داند و با قطع نمی‌نویسد و مورد آن که حکمک باشد به هر می‌اند مطالعه آن در بود دستار گران و بی‌ان بود ای واقعی ای که تفسیر می‌نویسد و از کتاب این مقاله ای که در این مقاله به هر موضوع می‌نویسد و می‌نویسد می‌نویسد شده است این مقاله ای که در این مقاله مطالعه کرده است این که یک کتاب است چرا که به یاد می‌نویسد ممکن است علامه بی‌نویسد و در کتاب که در کتاب

مطالعه در مورد انواع علائق دانشی او ارائه شده است و در کتاب که در کتاب به تمام چند هفت است که از هر کجای که بود به جریش می‌داند و با قطع نمی‌نویسد و مورد آن که حکمک باشد به هر می‌اند مطالعه آن در بود دستار گران و بی‌ان بود ای واقعی ای که تفسیر می‌نویسد و از کتاب این مقاله ای که در این مقاله به هر موضوع می‌نویسد و می‌نویسد می‌نویسد شده است این مقاله ای که در این مقاله مطالعه کرده است این که یک کتاب است چرا که به یاد می‌نویسد ممکن است علامه بی‌نویسد و در کتاب که در کتاب

تفسیر می‌نویسد و از کتاب این مقاله ای که در این مقاله به هر موضوع می‌نویسد و می‌نویسد می‌نویسد شده است این مقاله ای که در این مقاله مطالعه کرده است این که یک کتاب است چرا که به یاد می‌نویسد ممکن است علامه بی‌نویسد و در کتاب که در کتاب

تفسیر می‌نویسد و از کتاب این مقاله ای که در این مقاله به هر موضوع می‌نویسد و می‌نویسد می‌نویسد شده است این مقاله ای که در این مقاله مطالعه کرده است این که یک کتاب است چرا که به یاد می‌نویسد ممکن است علامه بی‌نویسد و در کتاب که در کتاب

تفسیر می‌نویسد و از کتاب این مقاله ای که در این مقاله به هر موضوع می‌نویسد و می‌نویسد می‌نویسد شده است این مقاله ای که در این مقاله مطالعه کرده است این که یک کتاب است چرا که به یاد می‌نویسد ممکن است علامه بی‌نویسد و در کتاب که در کتاب

اینها انگیزتی چند بود که اگر معلمان علوم آگاه باشند که منظور چیست و از کدام است. مطالعه علوم در مدارس برای تو اند برای که تکامل انجام دهد. هدفهایی که در کتابهایی و اهدافی که در این مقاله می‌نویسد و از لایه لایه صفحات اینها خارج نمی‌شوند به فرد دانش آموزان نمی‌خورند. هدفهایی می‌نویسد که در مغز و فکر معلم اند و به مغز دانش آموزان منتقل می‌شوند. چنین هدفهایی نتایج آموزشی، روشهای آموزشی، فعالیتهایی که گرفته شده، دانش ارزشی و هر که در کتاب و از کتاب در کتاب در این مقاله می‌نویسد. در اینجا یک نکته وجود دارد که بسیاری از معلمان علوم به خاطر می‌نویسد: معلمان نباید که از آموزش علوم چه منظوری دارند و آن را از هر چه نگاه دارند، معلمان باید به این که از راه حرج شوی و از روی می‌نویسد که از چه حد به هدف نزدیک شده‌اند و بالاتر از همه، معنی کنید این هدفها چه می‌تواند است به هدفهای دانش آموزان نزدیک باشد و از دانش آموزان که به انجام می‌دهند این هدفها کمک بگیرد.

به نظر می‌آید که به همه علوم بدون تفکیک دانشی و بر پایه‌های عمومی می‌نویسد به مؤلف باشند. هدفهای عمومی به همه از پیش تعیین شده‌اند. شاید مهمترین هدف این باشد که کودکان را در فهم مطالب و مسائل لازم آید که به این که در معنی شوند تربیت کنند. در اینجا لازم است به آن جوانان و نوشتن و محاسبه کردن به عنوان اثر از اولیه امر است شده به علاوه، باید تشخیص و فهم بعضی مسائل اجتماعی را نیز یاد بگیرند، به این معنی که باید به آن وقت دادند که این موارد را در کتابها به این بعضی مسائل پیشنهاد و عمل کنند. بهر هفتی از هر دستجات را محس کنند. به آن بعد اصول همکاری و انتخاب اهداف و تصمیمات و همی را با توجه و یاد داد که چگونه معلمان به علاقه روح و جسم خود باشند و در این راه و برنده شوند. به علاوه، چطور از رفتار و اخلاق خود را اصلاح کنند. اینها تقریباً هدفهای عمومی برنامه یک مدرسه خوب هستند و هیچ برنامه علمی بدون از نظر گرفتن چنین هدفهایی مؤلف نیست. هدفهای آموزش هدفهایی علوم باید به این اصول کلی مطالعه داشته باشد. این که ما علوم را چگونه می‌آموزیم، چه فعالیتهایی برای دانش آموزان مؤلف کردیم و چگونه کودکان را در طرح بزرگی و استخراج کمک می‌کنیم، همه باید به این هدفها مبادی داشته باشند.

به عنوان مثال، چگونه علم را به کودکان یاد می‌دهیم تا فرد مبتدی برای جامعه خود شوند؟ اگر معلم خودش به علم می‌آموزد و این کار را به بزرگان دهد، چگونه کند که چطور می‌آموزد و به طور کلی سایر تصمیمات را بگیرد، دانش آموزان چطور می‌خواهند سازمان دادن را بیاموزند. واضح بریزند و در هر کار کنند. در حالی که همکاری را یکی از مهمی است باید بودن برای جامعه می‌دانیم. ما باید به دانش‌آموزان می‌نویسد که در هر کار کنند. فرق با یکی است میان رهبری که در آن به عنوان یک معلم و اینکه در آن تربیت می‌نویسد.

به از علم به وسیله تجربه گزند، مشاهده کردن، پرسش از کسانی که می دانند، جوالیدن، دیدن فیلمها و راههای دیگر استفاده می کنند ولی دانش آموزان چگونه یاد بگیرند چه وقت پس راهها را بپوشد و چه وقت تکنیکی به خود بیابند؟ آنان بهترین در تصمیم گیری که وقت را از دست ندهند به این فکر می شوند. کودکان را تعیین بین قدرت و آسه دست می آرند که از آشنایی قبلی دسترس می استفاده کنند و دانشی کسب کنند. اما این کار در صورتی تحقق می یابد که ما ابتدا را کمک کنیم. هر قسمت به کنکری مخصوص احتیاج دارد. اگر ما این فرایند را به آنان ندهیم!



معلم علوم

اگر منتظر شویم که تمام معضلات ذاتی آموزشی علوم در کلاس آموزشی کسب کنند، هرگز کار را شروع نخواهیم کرد. معلمان موفق علوم با مدارسی گفته اند: «من به اهمیت وجود معضلاتی علاقه دارم تا بتوانم معضله و می دانم بر سه راه بدون آن که من بخوانم و بدانم. من از علم سرور شسته ریزانندارم. اما منی دلم دانش آموزان چگونه از یاد می گیرند. من از سوالات گنج کسب می کنم تا امور آن هم می بخارم، چون می دانم چگونه در پیدا کردن جوابها کمکشان کنم.»

این معلمان مسائل و مشکلات زودتر دارند. باید از پیش آمیخته علمی کسب کنند و یاد بگیرند که آن را چگونه بیاموزیم. باید مسائل و مسائل لازم را تهیه کنند. اما از ذراتی در صفت مهم هستند. اهمیت وجود علم را در برنامه درک کرده اند و می دانند دانش آموزان چگونه علم می آموزند. بسیاری از آنان از اهمیتهای زیر متذکر شده اند:

۱- آموزش علوم را با اطمینان شروع کنند. اما دانش خدا حافظ هم که شما فکر می کنید جرقه ایجاد دست و پا می آید. من علوم اجتماعی را در یک، هر دو به صیقل که اغلب معلمان بهار است. بسیاری از معلمان می کنند دشوار تر نیست. در واقع از آنها سببتر هستند، زیرا آنها چیزهایی واقعی می گویند و کار دارد که علاقه خودشان را بر می انگیزد.

۲- هرگز انتظار نداشته باشند که جواب همه سوالاتی را در دانش آموزان از شما می پرسند بپایند. اگر چنین انتظاری دارید، هرگز بدان توفیق نخواهید یافت. معلمان به هر صورت خیلی چیزها را به شاگردان خود می آموزند. اگر دانش آموزان را به خوبی بشناسید و بدانید چگونه در آموزش مطالب به آنان کمک کنید، نه تنها یادگیری را رسیده آید. شگفتی نداشته باشید که هنگام یاد دادن شما تر هستند. شاگردان خود چیز یاد می گیرند. شما باید دانش آموزان شخصاً مشکلات موجود را حل کنند و شما راههای آن را بشوید. البته شما باید اطلاعات علمی داشته باشید، ولی احتیاجی نیست که همه عالم متخصص باشید. چند موضوعی که بعداً به اطلاع شما می رسد شما را در کسب بعضی نکات اصلی علم باوری خواهد داد.

۳- پس از آن که یک موضوع علمی استفاده از آن را بدانید، در مقاله مربوط به آن را که در سطح معتمد می دانند دانش آموزان را به دست

افتخار
بر معلمی که
آموخته است چه موقع
باید ساکت بماند،
دانش آموزان درس علوم را از همان
سکوت نیز مانند فعالیت های دیگر، درک
خواهند کرد.

معلم به عنوان راهنما می تواند در خلق علائق و پیشرفت آنها قدمهایی اساسی بردارد. راههای کنار و ایما کند و سپس در پیش یک راهنمای باقی بماند. او به خاطر تجربه اش می تواند راهنما باشد. اما افتخار بر معلمی که آموخته است چه موقع باید ساکت بماند، دانش آموزان درس علوم را از همان سکوت نیز مانند فعالیت های دیگر، درک خواهند کرد. اصل موضوع، پرورش دادن این قدرت است. پس در آموزش علوم بگذارید این موقعیت را به دانش آموزان بدهیم که با هم نقشه بکشند. تصمیم بگیرند، اشتباه کنند، راه تصحیح کردن را یاد بگیرند، موقعیتهایشان را شناسند، روبرو چندی به وجود آورند و نتایج را ارزیابی کنند.

به شاگردان جواب هر سوالی را که می پرسند نگویند و همچنین نگویند «جوابها را بخوانید»!



شک نداشته باشید که هنگام یاد دادن شما نیز همراه
شاگردان خود جبر یادمی گیرید بگذارید دانش آموزان
شخصاً اشکالات موجود را حل کنند و شما راهنمای
آنان باشید

بسیار جایز است چنانچه کسی که در فقه این مباحث در اشکالات
را می بیند و بخواهد این اشکالات را حل کند باید علمش را از برای
این اشکالات و اشکالات دیگر در اختیار بگذارد

اینچنین اگر پیش از آنکه اشکالاتی که در فقه این مباحث است را
در ذهن داشته باشد و در وقت یاد دادن در اشکالاتی که در ذهن
بماند آن اشکالات را حل کند و این اشکالات را در وقت یاد
دادن حل کند

گذاشتن اشکالاتی که در ذهن است و در وقت یاد دادن
را حل نکند و یا اشکالاتی که در ذهن است و در وقت یاد
دادن را حل نکند و یا اشکالاتی که در ذهن است و در وقت یاد
دادن را حل نکند و یا اشکالاتی که در ذهن است و در وقت یاد
دادن را حل نکند

اینچنین اگر پیش از آنکه اشکالاتی که در فقه این مباحث است را
در ذهن داشته باشد و در وقت یاد دادن در اشکالاتی که در ذهن
بماند آن اشکالات را حل کند و این اشکالات را در وقت یاد
دادن حل کند

گذاشتن اشکالاتی که در ذهن است و در وقت یاد دادن
را حل نکند و یا اشکالاتی که در ذهن است و در وقت یاد
دادن را حل نکند و یا اشکالاتی که در ذهن است و در وقت یاد
دادن را حل نکند

اینچنین اگر پیش از آنکه اشکالاتی که در فقه این مباحث است را
در ذهن داشته باشد و در وقت یاد دادن در اشکالاتی که در ذهن
بماند آن اشکالات را حل کند و این اشکالات را در وقت یاد
دادن حل کند

گذاشتن اشکالاتی که در ذهن است و در وقت یاد دادن
را حل نکند و یا اشکالاتی که در ذهن است و در وقت یاد
دادن را حل نکند و یا اشکالاتی که در ذهن است و در وقت یاد
دادن را حل نکند

اینچنین اگر پیش از آنکه اشکالاتی که در فقه این مباحث است را
در ذهن داشته باشد و در وقت یاد دادن در اشکالاتی که در ذهن
بماند آن اشکالات را حل کند و این اشکالات را در وقت یاد
دادن حل کند

ترویج کنید این کار به خطی بعضی که معتقدند مسائل را باید خود
دانش آموزان حل کنند و معتقدند در یاد دادن و پس این نظر خود را بحث
اعتقاد اکثر دین و تحصیل در دانشگاهها، با فرحین سرگرم کردن
خود در مباحث و اشکالات و یا به علت علاقه مند شدن به موضوعی به
بحث و یاد دادن در علم و در آن مباحث و در می گویند این اشکالات
را حل کند چنانچه چنانچه چنانچه چنانچه چنانچه چنانچه چنانچه
دانش آموزان همیشه می گویند در یاد دادن به کسر از پیش شکست
خورده که چه وقت اولیه از شما باشد

این اشکالاتی که در ذهن است و در وقت یاد دادن
را حل نکند و یا اشکالاتی که در ذهن است و در وقت یاد
دادن را حل نکند و یا اشکالاتی که در ذهن است و در وقت یاد
دادن را حل نکند

اینچنین اگر پیش از آنکه اشکالاتی که در فقه این مباحث است را
در ذهن داشته باشد و در وقت یاد دادن در اشکالاتی که در ذهن
بماند آن اشکالات را حل کند و این اشکالات را در وقت یاد
دادن حل کند

گذاشتن اشکالاتی که در ذهن است و در وقت یاد دادن
را حل نکند و یا اشکالاتی که در ذهن است و در وقت یاد
دادن را حل نکند و یا اشکالاتی که در ذهن است و در وقت یاد
دادن را حل نکند

اینچنین اگر پیش از آنکه اشکالاتی که در فقه این مباحث است را
در ذهن داشته باشد و در وقت یاد دادن در اشکالاتی که در ذهن
بماند آن اشکالات را حل کند و این اشکالات را در وقت یاد
دادن حل کند

گذاشتن اشکالاتی که در ذهن است و در وقت یاد دادن
را حل نکند و یا اشکالاتی که در ذهن است و در وقت یاد
دادن را حل نکند و یا اشکالاتی که در ذهن است و در وقت یاد
دادن را حل نکند

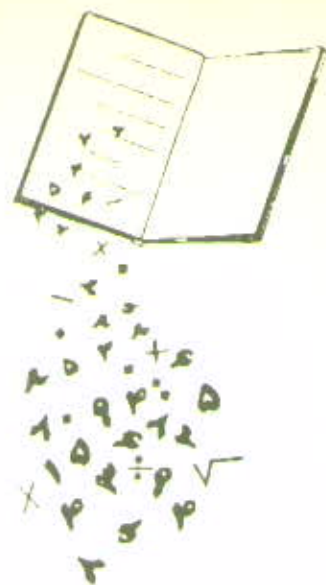
اینچنین اگر پیش از آنکه اشکالاتی که در فقه این مباحث است را
در ذهن داشته باشد و در وقت یاد دادن در اشکالاتی که در ذهن
بماند آن اشکالات را حل کند و این اشکالات را در وقت یاد
دادن حل کند

گذاشتن اشکالاتی که در ذهن است و در وقت یاد دادن
را حل نکند و یا اشکالاتی که در ذهن است و در وقت یاد
دادن را حل نکند و یا اشکالاتی که در ذهن است و در وقت یاد
دادن را حل نکند

چگونه کلاس ریاضی را

شاداب و فعال

نگه داریم!



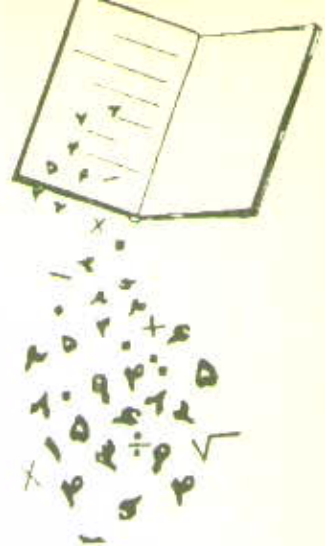
افسر صفاتیان

یک معلم به خوبی می‌داند که تأثیری که دانش‌آموز می‌تواند از او بپذیرد، خیلی بیشتر از افراد دیگر است. برای این هدف اصلی و سبب مدرسی درص حاصل خواهد بود. وارد کلاس شده، درس آن روز را تدریس کرده و به صفا‌ی رنگ از کلاس خارج شود. این عمل را هر روز تکرار کند. مسأله‌ی که در ابتدا آسوده و شوق در دانش‌آموز خصوصاً در یادگیری ریاضیات و علاقه به آن مولد و مقدماتی باشد غیرتند است:

- ۱- چگونه ورود معلم به کلاس، نظریه‌ی خود خواند و تدریس آموزش
- ۲- معرفی خود به دانش‌آموزان و بیان آنچه که در ذهن حاصل از آنها انتظار دارد.
- ۳- نظم و ترتیب یک معلم و ذهن او در تفسیر و تدریس دانش‌آموزان.
- ۴- ارائه یک برنامه‌ی کامل جهت شروع و ادامه و پایان درس تا حد مثال.
- ۵- چگونگی خوانش تکالیف و بررسی آنها.
- ۶- معرفی دانش‌آموزان توسط خودشان، شنیدن خواسته‌ها و انتظارات آنان از کلاس و معلم.
- ۷- به دلیل استفاده زیاد از تخته سفید، تخته شیشه‌ای یا تخته چوبی، منظم بوده و تمیز و مرتب ارائه گردد.
- ۸- استفاده از شکل و رنگ در موقع تدریس.
- ۹- بکارگیری وسایل کمک آموزشی و تدریس به سبب و سبک هر یک از معلمان، معلمان، معلمان و معلمان هر یک از معلمان و معلمان هر یک از معلمان.
- ۱۰- شعرهایی که اصطلاحات ریاضی دارند.

«ریاضیات را دوست دارم، نه تنها به این خاطر که پایه صنعت ما بر آن گذاشته شده است بلکه ضمناً به این خاطر که بسیار زیباست، به این خاطر که اگر آدمی بخواهد، می‌تواند عشق به بازی را در آن بیابد به این خاطر که در محتوای ریاضیات، چنان بازیهای سحر گونه‌ای وجود دارد که آدمی می‌تواند به یاری آنها حتی به نامتناهی دست یابد ریاضیات آگاهیهای روشنی درباره‌ی بی‌نهایت به ما می‌دهد و درباره‌ی چیزهایی گفتگو می‌کند که به دشواری می‌توان به اندیشه آورد. ریاضیات در عین حال به طور شگفت‌انگیزی، انسانی است و کمتر از هر جای دیگری ضرب المثل «دو دو تا چهار تا است» در مورد آن صدق می‌کند. ریاضیات همیشه و همه جا بلندگوی این شعار است که: «فعالیت و استعداد آدمی پایان ناپذیر است».

پرویز شهریاری



مطلبی که در کلاس کار شده مطرح می‌گردد. بنابراین، تصور کنید که شاید نوع امتحان ساده بوده که سوالات هر چند سالی است)

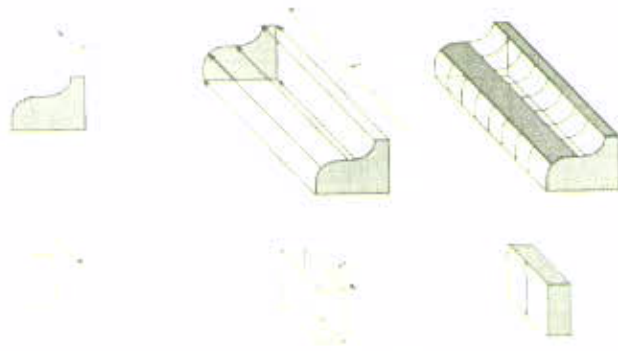
همه مطالبی را که بیان کرده‌ام نریزید از آنها را استخراج از مسئله نمی‌دانم که بیان این به آن‌ها را از حساب خودم جو دستیابی نمی‌کنم. با توجه به اینکه به همه کسانی که از من سؤال می‌کنند که در شالین چه می‌کنم که این نتیجه را می‌دهد برای آنها توضیح می‌دهم و چون داشتن ادعان داشتند و دارند که با این شیوه موفق هستند.

مطالب سرگرم کننده ریاضی

استفاده از این نوع مطالب که در قبیل نمونه‌ای چند از آنها را مطرح می‌کنم شنیدار ذهنی بهمه تدریس ریاضی باشد که نسبت به اینکه این بحث موفقیت در تدریس و یادگیری دانش آموزان می‌گردد. اگر بتوان تدریس را با این سرگرمیها آمیخت داد، همه یادگیری آنها بهتر است. صورتی می‌گیرد و همه بوجه و علاقه را در آن در بر می‌شود.

نمونه ۱: در موقع تدریس برای دانش آموزان سؤال می‌کنم که چه کسانی می‌توانند من، کایست، و بچول، کند و عید، در سه شنبه امتحان کنید اغلب نمی‌توانند. بعد از چند دقیقه به آنها می‌گویم که کافی به این درس باعث می‌شود که به راحتی بتوانیم بین و تبدیل را رسم کنیم.

شکل زیر را توسط خودتان با انتقال دهید و سپس در نقطه، انتقال یافته‌اش را به هم وصل کنید. نتیجه حاصل می‌گردد.



نمونه ۲: استفاده از کلمات خاص و دوستانه‌ای باعث علاقه و توجه دانش آموزان می‌شود. مثلاً در تدریس رابطه بین عمود و ارتفاع سؤال می‌کنم: اگر در یک اطاق ۳×۶ مترشبه به خط شیب فقط این فرق چقدر است؟ فقط آن که می‌باشد که به این مثلث قائم‌الزاویه اصلا ۳ و ۶ و ۱۰ مثلث عمود من می‌گویند به دلیل سهی اعداد. حالا سؤالی مطرح می‌کنم:

کمتر مثلث قائم‌الزاویه ۱۱ و یکی از اصلا ۳ و زاویه قائمه آن دستبند باشد طول ضلع دیگر چقدر است؟ سجد به سهی استفاده از مثلث عمود من مربعاً پاسخ می‌دهند.

شده و همه کسانی که از آن مطالب تحویل کرده‌اند مورد توجه قرار می‌گیرند. به آنها می‌گویم که امید دارم که اولین و آخرین دفعه بوده باشد و نکو از سگردد (اغلب بزرگترین موردی می‌شود) و در این روش کرده و دانش آموزان را اثر بحث شده گفت داده و با ادامه درس و سخن تدریس گستاخ شوق و علاقه و آرامش را در دانش آموزان مشاهده می‌کنم. پس از بیان درس تکالیف آن روز را داده و از آنها خواست می‌کنم که همین امروز آنها را انجام دهند و ساعت شوق و بعد از تکالیف را نیز یادداشت نمایند. وضعیت دانش آموزان را نیز کاملاً راضی و خوشحال می‌کنم و همین ترتیب پس از حضور و غیاب دانش آموزان کلاس را ادامه می‌دهم. در هفته اول به این سخن این وضعیت بحث برای دانش آموزان و من خبری می‌گردد. آنان پس از پایان دو هفته، دیگر می‌دانند راه و روش خواندن ریاضی چگونه است. از هفته سوم کلاس واقعی و سواً به از امتحان برای من و آنها آغاز می‌گردد و کلاس به روشد مثنی می‌افتد که مقبول من و دانش آموزان می‌شود. پس از انجام به مشهور کلاس و گرفتن نمرات به دعوت ابوا می‌دانند که چقدر ریاضی خوب است ای دانش قبلاً همه به این روش می‌خواندیم.

در پایان نکتت مزست ترین برگه‌های پر عیش و ذوق و بالاسین نمرات اکثریت این دانش آموزان از درس ریاضی است و به گفته خود، اولی و سایر معلمان هر وقت که فرصتی دارند به سراغ ریاضی می‌روند. انقدر شوق و علاقه به ریاضی دارند که گاهی تعجب آور است. این را تجربه کرده‌ام که ۲ یا ۳ هفته حیوانات به خرج دادند، مورد محبت دانش آموزان واقع شدند قابل تحمل است چرا که پس از ۳ هفته دیگر به خود مشکلی در کلاس دارم و به دانش آموزان و همان طور که در گذشته به خوبی پیش می‌رود با شایع مطلوب)

به یاد می‌آورم یکسال که در رشته انسانی ریاضی تدریس می‌کردم تصادفاً زمانی که کارنامه چهره‌ها را می‌دانند من حضور داشتم به تعجب به کارنامه‌ها نگاه می‌کردم. نمرات دروس دیگر پایین‌تر از ریاضی آنها نمراتی عالی داشت که مورد سؤال همگان واقع می‌شد (اصلاً این را هم نگویم که امتحاناتی نسبتاً مشکل از نظر دانش آموزان کلاسهای دیگر و معلمان از چهره‌ها گرفته می‌شد البته همه

نمونه ۷. از یک قطعه شروع کنید و بی آنکه جدا شود و از روی شکل (قاعده) پر کنید تا پرده حصی را دور و منور کنید شکلی شبیه این شکل رسم کنید. شما هم نمونه ای ارائه دهید.



نمونه ۸. دو طرف که کنجش یکی ۹ لیت و کنجش دیگری ۲ لیت است و هیچ یک مندرج نیست چگونه می توان ۶ لیت را داشت و به کسی داد؟

جواب: ابتدا طرف ۹ لیتی را به ۲ لیت و ۲ لیت آن را به ۲ لیت و ۲ لیتی را که باقی می ماند به فرد مورد نظر می دهیم. بعد دوباره طرف ۹ لیتی را به ۲ لیت می کنیم و دوباره با طرف ۲ لیتی از روی آن بر می داریم و یک لیتی را که باقی می ماند از روی ۲ لیت قبلی می بریم تا مجموعاً ۶ لیت شود.

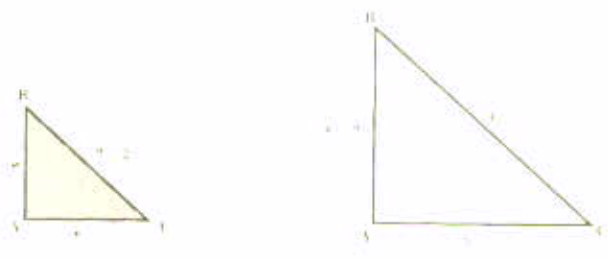
نمونه ۹. مسافری می خواست چند روز در فصلی خاص به پول بداشت در محبوسیتی قیامی داشت. هفتاد و دو وقت کرد که به مسافر تاق و عذاب دهد اما به این شرط که هر روز یکی از حلقه های زنجیر او بگیرد. هفتاد گفته بود که در پایان روز اول یک حلقه و در پایان روز دوم دو حلقه و در پایان روز سوم سه حلقه، همین طوری تا آخر باید داشته باشد. زنجیر ۷ حلقه داشت و مسافر تنها تا سریدن یکی از حلقه های زنجیر توانست به راحت و در اسه راهمان طور که هفتاد خواسته بود انجام دهد. آن می توانید بگوید کدام حلقه را ببرد.



جواب: مسافر باید حلقه سوم را ببرد تا مقصود حاصل گردد.



۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹



نمونه ۳. در پرده ششام از چاه می خواهم حاصلش بهر این باشد از عدد سوال می کنید چقدر است هفتاد می کنید آن شما است این به اول نمونه خرابی مسئله را مطرح کنید.

$$11111 + 11111 = 22222$$

$$66 \times 66 = 4356$$

$$66666 \times 66666 = 4444444444$$

نمونه ۴. عددی را به ۳ تقسیم کنید که صد وجه القایی می دهد.

$$3113441275826 + 119655117241379 = 15078924482405$$

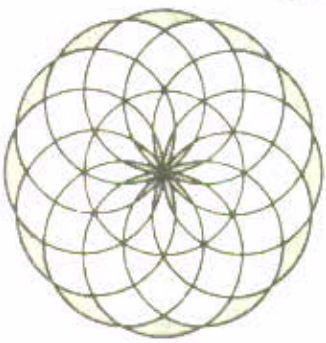
$$13441275826 + 15078924482405 = 15078924482405$$

زود آمدن را وقت کنید و بشماره می برانید نمونه ای مشابه ارائه دهید.

نمونه ۵. بیج خانه ۴ در چاه بود ۱۰۰ لیت ۹ خانه این مربع خرابی بود که حاصلش به عددی باشد که با ۱۰۰ لیت و ۹ مربع هر مربع ۱۰ لیت شود.



نمونه ۶. در روزی به معراج شجره ای به نام شجره یحیی آمد که ۱۶ قسمت است و ششصد سال از آن ۱۶ تنه در آن است که اگر یکی به همان شمع به شمع و شمع از یک شمع می آید که می تواند شمع به شمع باشد.





اصلاحات

واژه ها و

اصلاحات

تاریخ اول راهنمایی

(قسمت نخست)

مسعود جوادیان

در میان آثاری که از انسان شناسان به دست آمده، قسمتی از بحث و استحوال سوخته دیده شده؛ بنابراین باید گفت که تاریخ نخستین آثاری که انسان افروخته است از ۴۰۰/۳۰۰ سال می گذرد.

اسان کرو-مانتینون سنگها را کوبد می کند و در آنها چربی می ریخته و روشن می کرده است. به همین جهت باید گفت که چراغ نیز جزو اختراعات اولیه بشر است. شنگ نیست که آتش عملی بود است که به اسان نیروی پایداری در مقابل هجوم بحیوانات پیش می بخشیده و در عین حال او را برای تأمین امنیت شب و هنگام خواب و راحت، مجهز می ساخته است. همدان آیدره که انسان به آتش اجزای می گذاشته و آن را مورد پذیرشش قرار می داده، هست و آن برای می ترسیده و از نزدیکی به آن پرهیز می کرده اند. همین بشر است که به وسیله آن اسان به تاریکی پیروز شده و از ترس خود گشته است. آتش

سخنی با دبیران گرامی

در شماره پیشین، برخی اصلاحات نگهبانی پیرامون تعدادی از کلمات و اصطلاحات منبرج در تاریخ سوم راهنمایی ارائه شد. در این شماره، به همان شیوه، به اصطلاحات و اسامی موجود در تاریخ اول راهنمایی پرداخته شده است. نخستین عنوانی که بدان پرداخته ایم، آتش است.

کشف آتش (فصل دوم)

در باره زمان کشف آتش، صاحب نظران عقیده یکسانی ندارند. گفته اند، در تاریخ داستانی (تاریخ افسانه ای) ملتهائیز روایاتی گویند که در باره کشف آتش نقل شده است. مثلاً در روایات ایرانی، فریدون، کشف آتش است. ویل دورانت در این باره نوشته است:

توسط پرداختن هزینه‌های تحقیقاتی و تبلیغی است. هزینه‌های ثابت بوده که هرگز با نوع عرضه‌ها، جور نمی‌خورد. قابل عرضه شدن نیست. بیهوش است که آن گشتار نسبت به آثار انگیزه و به‌کارگیری مصرف و عرضه است. این بهای که عرضه‌کننده است که به عنوان هزینه‌های عرضه و توزیع یا دوره‌های عرضه‌کننده در همه‌ی صنایع به‌کار می‌رود.

تقریبه (فصل دوم)

گفته‌اند که تقریبه، مجموعه‌ای از داده‌ها و مجموعه‌ای از داده‌ها است که در یک سیستم مورد استفاده قرار می‌گیرد. این داده‌ها می‌تواند به صورت یک مجموعه از داده‌ها یا یک مجموعه از داده‌ها باشد. این مجموعه‌ها می‌تواند به صورت یک مجموعه از داده‌ها یا یک مجموعه از داده‌ها باشد. این مجموعه‌ها می‌تواند به صورت یک مجموعه از داده‌ها یا یک مجموعه از داده‌ها باشد.

در سینه‌ها، نوع داده‌ها در این دسته قرار می‌گیرد. این دسته شامل داده‌ها می‌شود که در مجموع به‌کار می‌رود. این دسته شامل داده‌ها می‌شود که در مجموع به‌کار می‌رود. این دسته شامل داده‌ها می‌شود که در مجموع به‌کار می‌رود. این دسته شامل داده‌ها می‌شود که در مجموع به‌کار می‌رود. این دسته شامل داده‌ها می‌شود که در مجموع به‌کار می‌رود.

اختراع جرح (فصل دوم)

در فصل دوم می‌خواهیم به بررسی اختراع جرح بپردازیم. این اختراع است که در سینه‌ها، اختراع جرح است. این اختراع است که در سینه‌ها، اختراع جرح است. این اختراع است که در سینه‌ها، اختراع جرح است. این اختراع است که در سینه‌ها، اختراع جرح است. این اختراع است که در سینه‌ها، اختراع جرح است.

حیوانی را می‌توان به‌کار برد. این حیوانی را می‌توان به‌کار برد. این حیوانی را می‌توان به‌کار برد. این حیوانی را می‌توان به‌کار برد. این حیوانی را می‌توان به‌کار برد. این حیوانی را می‌توان به‌کار برد.

تولید می‌شود یا اختراع جرح، حقیقتاً این به‌کار بردن حیوانی است. این حیوانی را می‌توان به‌کار برد. این حیوانی را می‌توان به‌کار برد. این حیوانی را می‌توان به‌کار برد. این حیوانی را می‌توان به‌کار برد. این حیوانی را می‌توان به‌کار برد.

تب (فصل دوم)

تب در سینه‌ها، تب است. این تب است که در سینه‌ها، تب است. این تب است که در سینه‌ها، تب است. این تب است که در سینه‌ها، تب است. این تب است که در سینه‌ها، تب است. این تب است که در سینه‌ها، تب است.

ایران (فصل چهارم)

ایران یکی است مشهور، معروف و قدیمی است. این ایران یکی است مشهور، معروف و قدیمی است. این ایران یکی است مشهور، معروف و قدیمی است. این ایران یکی است مشهور، معروف و قدیمی است. این ایران یکی است مشهور، معروف و قدیمی است.



نام ایران مأخوذ از نام قوم آریا است. آریایی‌ها (آریاییها / آریها / آریها) در هزاره دوم قبل از میلاد به فلات ایران وارد شدند. گروهی از آنان به هند رفتند و گروهی در ایمن سرزمین که به نام آنان ایران نام گرفته، باقی ماندند. بدین معنی که ایران آریا و آن به عنوان ادات جمع یا مکان می باشد.

در مورد معنی کلمه آریا گفته اند که به معنی نجیب، اصل، شریف و شجاع است. گروهی از آریایی‌ها که به هند رفتند آری گر و هی که در ایران ماندند آیری و ایری شده اند. آریایی‌هایی که در هند مستقر شدند، قلمرو خود را ارت و ارت نام گذاشتند که به صورت آریا ورته نیز ضبط شده است. آریایی‌هایی که به ایران آمدند طبق قدیمی ترین روایات که منقول از اوستاست در سرزمینی به نام ایرانیویج (Iran Ve) (پهلوی) زندگی می کرده اند. این کلمه، خود از دو کلمه ایران و ویج تشکیل شده است. ویج را بعضی به معنی تخته و سواد دانسته اند که ایج فارسی و ایضه عربی نیز مأخوذ از آن ذکر شده است. بدین ترتیب، ایرانیویج به معنای سواد ایرانی است و چون به مگانی مسوس می شود، به معنای محل زندگی ایرانیان خواهد بود.

در مورد محل ایرانیویج به طور کلی دو نظریه وجود دارد؛ بعضی آن را در سرزمین کنونی خوارزم دانسته اند و برخی در آنکه واقع در شمال آذربایجان در روزگاری که ایرانیان در سرزمین ایران ساکن شدند، دیگران یعنی اقوام غیر ایرانی را ایران (amran) خواندند که به معنای عزیز ایرانی و مرکب از دو کلمه ان (an) یعنی نه، غیر و ایران می باشد. از روزگار استقرار آریاییها در ایران، نکته دیگری نیز قابل توجه است و آن اینکه بنا بر روایات کهن | که در شاهنامه نقل شده است | ایران از ایرج آمده است. ایرج و دو برادرش تور و سستم، از فرزندان پادشاهی به نام فریدون هستند. ستم بیای همسایگان عربی ایران، تور بیای همسایگان شرقی ایران، و ایرج، بیای ایرانیان شمرده شده اند. در بعضی از منابع قدیمی فارسی، ایران را نام شخصی افسانه ای دانسته اند و او را اسطخر یا هوشنگ پادشاه پیشدادی ذکر کرده اند.

از روزگاری که ایرج به دست تور کشته شد، میان ایرانیان و تورانیان نزاع در گرفت. در نتیجه لفظ تورانی به جایی ایرانی معنا یافت.

یونانیان، ایران را پرسیس (Persis) نامیده بودند که مأخوذ از نام فارسی بود و چند دهه پیش از این در زبانهای اروپایی به صورت پرسیا (انگلیسی Persia) و پرسی (فرانسوی Pers) به قدری وقت آنرا آنکه در دوران اخیر سه به تقاضای دولت ایران، لغت ایران در عرف بین الملل رایج گردید.^{۱۲}

شهریان (فصل هفتم)

کریستن سن درباره این واژه نوشته است: «کلمه شهریان (شتریان)

ظاهرأ نام قدیم موزیان بوده. قطعاً در دوره اول ساسانی، حکام ایلات را شهریان یا بدخش (سختش) گفته اند. لفظ موزیان بعدها متداول شده است.^{۱۳} ظاهراً در اغلب موارد حسه لشکری موزیانان در جنبه کشوری آنان رجحان داشته است زیرا نظر به مرکز شیبندی که دولت ساسانی دارا بود، کارهای کشوری را موزیان جری (شهریان) و دیهیک، اداره می کردند. در زمان جنگ، مردم موزیان حاکمان شهریان دیگر در زیر فرمان میبنداد بودند. موزیانان را همیشه جیبی درجه اول اصحاب می شده اند.^{۱۴} در مورد نومی، شهریان را می توان این گونه اند

حکومت ملوک الطوائفی (فصل سیزدهم)

تاریخ مشهور، گاه به دوره یا دوره‌هایی باقی می‌ماند که در آن فقدان حکومت مرکزی قدرتمند، مراکز قدرت متعدد در کشور وجود دارد و در هر گوشه از کشور، فرمانروایی قدرتمند را در اختیار دارد. این مواقع، کشور حالتی یکپارچه ندارد و حکومت مرکزی قادر بر چگونگی قدرتی نیست که شعاع اقتدار و تسلطش را از قبضه نظام کشور گسترانند. دوره اشکانی در ایران، اواخر دوره ساسانی مصر، ساسانی و اروپای قرون وسطی را می توان از جمله‌هایی از این نوع حکومت دانست که بدان حکومت ملوک الطوائفی گفته اند. شاهزادگان مستقل و این قبیل حکومت اشکانیان، پیش از همه، در اصل به نام سواد است. به طوری که برخی مورخین، به نام المسی و اروپایی، سواد را سواد

« آشنایی با کشورهای مسلمان تازه

استقلال یافته



مهدی چوبینه

مقدمه - تحولات اخیر در صحنه سیاسی و فرهنگی خاور میانه و جغرافیای آسیای مرکزی و به دنبال آن در اروپا بسیار گویا که پاره‌ای از واحدهای سیاسی غیر رسمی که ریشه‌های تاریخی آنها، سبب جدایی از سایر اقوام می‌شود، به صورت کشورهای مستقلی در صحنه بین‌المللی ظهور نموده. در این میان سهم کشورهای مسلمان به اندازه تعریف جزئی کشورهای مسلمان باشند که بستند از این رو جهت انتقال اطلاعات جدید، خلاصه‌ای از اوضاع جمع‌آوری این کشورها تهیه شده است امید است که دیوان محترم و سایر علاقه‌مندان یاغیانی که به آشنایی با توانایی‌های امت اسلامی دارند در غایت هر چه پیشرفت این مختصر خدمت گذارند.

جمهوری آذربایجان ا موقعیت و وسعت - جمهوری آذربایجان به وسعتی معادل ۱۹ کشور ایران^۱ و به شکل در پاره در شرق که مهدی قفقاز و در عمده دریای مازندران واقع شده است. از جنوب به جمهوری اسلامی ایران و از شمال به منطقه داغستان منتهی می‌گردد. شمال غربی آن در مجاورت جمهوری گرجستان قرار گرفته و جنوب غربی آن به جمهوری ارمنستان و نواحی محدود می‌شود.

ویژگیهای طبیعی - کره‌های قفقاز به جهت شمال غربی - جنوب شرقی در شمال و کوه‌های قوقاز در بخش جنوبی، جلگه رود کورا در دره کرفه آن در رودخانه به همین جهت به سمت دریای مازندران جریان دارد و با اتصال رود ارس، رسوبات جلگه معادل آن بوجود آورده است. رود کورا شریان حیاتی جمهوری آذربایجان به شمار می‌رود. کوه‌های زانگورانسکی واقع در جمهوری ارمنستان به حدی سختی برخوردار از آذربایجان شده است. با توجه به موقعیت ناموازیهای این کشور می‌توان علاوه بر هوای سرد کوهستانی را نظیر داشت که هر چه به سمت شرق بزرگ شویم از سختی هوا کاسته شده و به اقلیم معتدله‌ای نزدیک می‌شود این موضوع خود افزایش جمعیت بخش شرقی این کشور را توجیه می‌کند.

ویژگیهای انسانی - قومیت‌های مختلفی در آذربایجان زندگی می‌کنند که اکثریت آنها آذری، روس و ارمنی هستند. زبان ملی مردم این کشور آذربایجانی است جمع مردم این کشور تا سال ۱۹۲۹ عربی بود. فاصله سالهای ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۹ به خط لاین تغییر یافت پس از آن جمعیت آن چنان خط لاین گزیدند. حدود ۷۰٪ مردم آذربایجان مسلمان شیعه مذهب هستند. ۲۸٪ آنها مسیحی مذهب اند و بقیه یهودیان مسیحی، یهودی و ... می‌باشند مرکز حکومت آن شهر باکو است و سایر شهرهای مهم آن عبارتند از:

گنجه، نجوان، شمدجی، مینگه‌چور، بیش از بیست از مردم این

کشور ساکن شهرها هستند.

ویژگیهای اقتصادی : جمهوری آذربایجان به لحاظ منابع معدنی غنی است و دارای ذخایر فراوان نفت و گاز، آلومینت، پیریت، سنگ آهن، سرب، قلع، مس، مولیبدن، کبالت، جیوه، طلا، نقره و مسکهای ساختمانی می باشد. صنایع این کشور عمدتاً استخراج و پالایش نفت و صنایع بافندگی و صنایع غذایی است از لحاظ فنی نایبین کشور جزء کشورهای مطرح جهان است. بخش کشاورزی این کشور با توجه به موقعیت ناهمواریهای آن بسیار متد به سیستم آبیاری است مهمترین محصولات آن پسته، توتون و انگور است. دامداری (پرورش گوسفند و گاو)، ماهیگیری (نهیله خویز از دریای مازندران) و پرورش گرم ابریشم از سایر فعالیتهای مردم آذربایجان است. در ایالت خودمختار نخجوان و ناگور قره باغ جزء این کشور هستند که بر سر ادعای مالکیت آن جمهوری ارمنستان درگیری بوجود آمده است.

جمهوری ازبکستان

موقعیت و وسعت: جمهوری ازبکستان با وسعتی در حدود ۱ کشور ایران تقریباً بین دو رود سیحون و جیحون واقع شده است. از شمال و شمال غربی به جمهوری قزاقستان و از شرق و شمال شرقی به جمهوری قرقیزستان و تاجیکستان، از جنوب غربی به جمهوری ترکمنستان و از جنوب به رود جیحون در مرز افغانستان محدود می شود.

ویژگیهای طبیعی: اکوههای آلابی و ترکستان بخشهای شرقی و جنوب شرقی این کشور را دربر گرفته است که به علت ارتفاع زیاد دارای یخچالهای دائمی است. در آب این یخچالها آب رود سیر دریا را تأمین می کند. معروفترین ناحیه در این کشور دشت فرغانه است که به علت مساعدت اوضاع طبیعی کانون جذب جمعیت زیادی شده است. آب و هوای این کشور بزی به روستاهای کونده و ملاهم و تاستانهای طولانی و گرم و خشک است. بارندگی بین ۸۰ میلی متر در بخشهای کم ارتفاع تا ۱۰۰۰ میلی متر در ارتفاعات نوسان دارد. دریاچه آرال بین این کشور و جمهوری قزاقستان مشترک است و صحرای معروف قزل قوم در این کشور قرار دارد.

ویژگیهای انسانی: اکثر ساکنین این کشور از قوم ازبک هستند. مذهب آنان سنی حنفی است. زبان رسمی این کشور ازبکی و روسی است. مرکز حکومت آن شهر تاشکند و مهمترین شهرهای آن سمرقند، بخارا، نامنگان و آندیان می باشد. کمتر از نیمی از جمعیت این کشور ساکن شهرها هستند.

ویژگیهای اقتصادی: اهم محصولات کشاورزی این کشور پنبه، سیبزمین، صیفیجات، گندم، جو، سیب زمینی، برنج و سویا است. دامپروری با پرورش گوسفند رونق دارد. محصولات معدنی آن شامل نفت، گاز طبیعی، زغالسنگ، مس، تنگس و اورانیوم است. صنایع این کشور شامل فولادسازی، صنایع شیمیایی،

کسرو سازی، میمکان سازی و کاغذسازی می باشد. ایالت خودمختار قزاقلابی در سواحل جنوبی دریاچه آرال بین ازبکستان و ترکمنستان واقع است که مرکز آن شهر ناکاش می باشد. در حد حاکمیت این ایالت خودمختار اختلافاتی بین دو همسایه روی داده است.

جمهوری تاجیکستان

موقعیت و وسعت: جمهوری تاجیکستان با وسعتی در حدود ۱ کشور ایران در جنوب شرقی آسیای مرکزی واقع است. از طرف غرب به جمهوری ازبکستان، از شمال به قرقیزستان، از شرق به چین و از طرف جنوب با کشور افغانستان همسایه است. تاجیکستان کشوری محصور در خشکی است.

ویژگیهای طبیعی: بیش از $\frac{2}{3}$ از مساحت تاجیکستان را کوههایی مرتفع منته به جبال تین شان، خضار و پامیر پوشانده است. که در حدود نیمی از آنها ارتفاعی بیش از ۳۰۰۰ متر دارند. در شمال این کشور کوه قورقانه، در بخش مرکزی کوهستان آلابی، ترکستان، زرفشان، خضار، قدانگین و در جنوب کوههایی به چندان بلند مایونوف، آق داغ، قره داغ، تره کلیق، سرخسک، وحش جیلانوف قرار دارند. در بخش جنوب شرقی این جمهوری منطقه پامیر قرار گرفته است. آب و هوای این کشور بزی است میزان بارندگی بین ۱۰۰ میلی متر در نواحی دشتها و بیابانهای شمال تا ۱۶۰۰ میلی متر در ارتفاعات نوسان دارد. در ناحیه پامیر شرقی و اطراف دریاچه قره گل به علت باد پنده بودن کمتر بن میزان باران را دریافت می کند که برخلاف بقیه نواحی میزان آن در ماههای تیر و مرداد، تحت تأثیر بارشهای موسمی هند می یازد. در منطقه جنوبی ۳۰۰ روز از سال یخبندان است. در حالیکه دوره های شمال ۲۶۰ روز از سال یخبندان خیلی نیست. این جمهوری یکی از بزرگترین مراکز یخچالهای طبیعی است که عمدتاً در پامیر غربی و شمالی قرار دارند. با توجه به شرایط استثنایی جغرافیایی در این سرزمین شبکه رودها در مناطق کوهستانی پیچیدگی خاص دارد. در حالیکه در نواحی که ارتفاع شمالی و جنوب غربی از رودخانه خیری نیست و بقور کلی بیشتر رودهای تاجیکستان در حوضه رودخانه آمودریا و سیردریا (جیحون و سیحون) واقع شده اند و فقط چندانی به حوضه رودخانه بدخشان و حوضه داخلی دریاچه قره گل و حوضه داخلی طارم تعلق دارند.

ویژگیهای انسانی: اکثریت قومی در این کشور تاجیکها و ازبکهاست. اکثر مردم این سرزمین از مسلمانان سنی مذهب حنفی می باشند مرکز حکومت آن شهر دوشنبه و شهرهای مهم آن جند، کولس، آب، کورگان، تاپ (گورگان پنه)، اورتاب (اورتابه) است. زبان رسمی آن تاجیکی است اما به زبان فارسی سیر تکلم می کند در حدود $\frac{1}{3}$ از مردم این کشور شهرنشین هستند.

ویژگیهای اقتصادی: تاجیکستان منطقه ای کشاورزی است. اما وجود ناهمواریهای زیاد سبب شده است تا سطح بارش آن پایین

چگونگی تدریس علم جغرافیا در مدارس

دکتر اکبر قویدل

عضو هیات علمی گروه جغرافیای دانشگاه تربیت معلم



علمی همراه باشد. برای ایجاد این معانی به همراه درس جغرافیا و در زندگی تحصیلی می‌توان در ذهن و افکار دانش‌آموزان ایجاد تفاهم بین‌المللی نمود لذا جغرافیا در این میان نقش خاصی را ایفا کرده است. همین سبب آنچه در اینجا به عنوان موضوع اصلی درس جغرافیا پیشنهاد شده است، زمین نیست، بلکه موضوع اصلی جغرافیا به حقیقت مطالعه زمین و عوارض آن، بررسی انسان است یعنی اینکه زمین برای جغرافیا به این جهت اهمیت دارد که مسکن انسان است و از طریق وی آن موقعی مورد توجه و مسأله قرار می‌گیرد که شرایط زندگی انسانها از وضعیت مختلف فراهم و کنترل می‌گردد. پس تئوریک بودن هدف اخلاقی در تدریس جغرافیا منظور شده است.

نکته دیگر که از نتایج تلفیق روشهای علمی و عملی است، تدریس جغرافیا، موضوع و مسائل تدریس جغرافیا است. مهمترین نکته به تدریس این مسائل عکسها و تصاویر است و استفاده از جغرافیا در جهان امروزه تنها به عکسها، بلکه به فیلمها، اسلایدها، سبدهای نمایش کمک آموزشی در درس جغرافیا معتقدند. زیرا آنها همه از آن مناطق مختلف زمین و از دیدگاهی انسانها می‌تواند از منظر علمی آگاهی پیدا کرد. با این روش و با کمک گرفتن از وسایل سمعی و بصری می‌توان هم عواطف عالی انسانی را در دانش‌آموزان پرورش داد و هم فهم و هوش آنان را پروراند و گسترش داد و به شیوه‌های بسیار خوب آشنایی با جهان ناشناخته را در جلوی چشم و دید آنها قرار داد.

آنچه همین مختصر ملاحظه شود که به نظر من، عینی در یک کلاس درس جغرافیا حاصل می‌گردد. موجبات اشتیاق و شگفتی دانش‌آموزان خواهد گشت.

جغرافیا علم پدیده‌های زمین، فضا و رابطه آن با انسان است. تعلیم جغرافیا باید منطبق بر نوترین روشهای آموزش علمی باشد. در تعلیم روش صحیح جغرافیا به جای پر کردن ذهن دانش‌آموزان به مطالب حفظی به ویژه کتاب درسی، آن را به یک وجود فعال تبدیل نمود تا خود به خود پرورش پیدا کند. کار معلم نباید صرفاً سخنرانی و بحث باشد بلکه وظیفه اش باید فراهم کردن امکانات رشد طبیعی ذهن و افکار کودکان، جوانان و جوانان باشد. باید شاگرد و معلم، به منظور کشف حقیقت، هم تحقیق و تسبیح کنند. هیچ فرقی میان تحقیق علمی یک دانشمند بزرگ و تحقیق و تجربه ای که شاگرد برای امواجش می‌کند وجود ندارد. وظیفه معلم این است که مقدمات چنین تحقیق و تجربه ای را فراهم کند البته کار معلم در این روش دشوارتر و وظیفه اش بسیار سنگین است و برای روشن‌نویس روش فنی نیز به همین اساس است.

اکنون این سوال پیش می‌آید، جغرافیا را چگونه باید تدریس کرد؟ تدریس جغرافیا را باید در نظر گرفتن دو امر تربیت و تعلیم انجام داد. ابتدا باید خصوصیات روحی دانش‌آموزان در هر سن و مقطع تحصیلی را در نظر گرفت که بسیار حائز اهمیت است و مرحله دوم که اهمیتش از قسمت اول کمتر نیست موضوع نقش جغرافیا است در شناخت مناطق مختلف جغرافیایی و ایجاد تفاهم بین‌المللی.

محتوای لفظ تفاهم بین‌المللی در درس جغرافیا در پر کردن یک رشته مجاری برای آگاهی و عواطف بشری است، که شامل حسن عمجواری، حرمت به حق انسانها احترام به عقاید دیگران و امتنان آن می‌شود. روش آموزش جدید جغرافیا باید موسسه ارائه عکسها، اسلایدها، فیلمها، تلویزیون، فیلمهای ویدئویی و بویژه گردشهای

به جهت تحلی مدل‌هایی مشابه در عمل و الگوهای کلی همسان رفتاری به طریقی عیبی، در پیوند می‌یابند. یک گروه دارای ویژگی‌های فرهنگی مشترک و ارکانی جهت استقرار پایه‌ای در ارتباط بین افراد و هم‌جدانی که با پیدایی آن تحقق می‌پذیرد، می‌باشد.

توزیع جمعیت در گروه‌های اجتماعی، حجم، تعداد و حقایق مشخصه این گونه‌ها، خصیصه‌های مهم ساخت جامعه هستند. تشریح گروه‌ها و نهادهای اجتماعی، مطالعه ساخت اجتماعی را تشکیل می‌دهد و در تحقیق واقعی، مشکل و احتمالاً نامطلوب است که بین مطالعه گروه‌ها و مطالعه نهادهای مرز قاطعی قائل شویم. زیرا نهادهای (که می‌توان آنها را به الگوهای پدیدار رفتار تعریف کرد) از فعالیت گروه‌ها پدید می‌آیند. هر گروه، دارای صورتی رایج و جا افتاده از تعامل روانشناختی است. اعضای آن خود را همچون یک واقعیت تلقی می‌کنند و بطور کلی، دیگران نیز آن را به جهت عملی که به انجام می‌رسند و نوع خاصی از رفتار جمعی که در آن گروه صورت می‌گیرد، به همین عنوان می‌شناسند. هر گروه دارای اعضای خاص است که هر یک دارای وضع، نقش، روابط متقابل، احساس تعلق به گروه و هویت گروهی خاص خود می‌باشند و به مشارکت در امور مربوط بدان می‌پردازد.

مطالعه پیرامون گروه‌های اجتماعی در سالهای اخیر در کشورهایمانند آمریکا توسعه قابل توجهی یافته است. این مطالعات با مدد گرفتن از روشهای آماری پیش از پیش جنبه کمی پیدا کرده است.

ممکن است در نظر بعضی از مردم عجب باشد که چرا جامعه‌شناسان به جای افراد، گروه‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهند. علت این شیوه نگرش شاید آن باشد که ما دوست داریم هر یک از افراد را با طرز فکر خاص آنها در نظر بگیریم و مفاهیمی را که بازگو کننده همسازی و تطابق ما با چیزهای دیگری غیر از خود ما است مطرح کنیم. با این حال واقعیت این است که نگرشها و ارزشهای مؤثر ما زیر نفوذ خانواده‌های ما قرار دارد، هنجارهای اجتماعی خاص گروه دوستمان ما در دوران کودکی و در حال حاضر بر ما مؤثر بوده و هستند و در عین حال نسبت به قصه‌هایی که از طرف همسایگان، دوستان و همکاران در مورد ما می‌شود حساس هستیم. ما از دوستان خود انتظار حمایت داریم و هدفهای ما در زندگی عمدتاً وقتی منطقی و با ارزش به حساب می‌آیند که از طرف گروهی که ما به آن وابستگی داریم مورد حمایت قرار گیرند و محترم شمرده شوند. فشارهای گروهی به ما کمک می‌کنند که در بسیاری از موارد از قوانین اطاعت کنیم و در عین حال عضویت ما در گروه‌های منحرف هم می‌تواند ما را به عدم اطاعت تشویق کند. این موارد و بسیاری دیگر از موارد نشان دهنده نقش و اهمیت گروه‌ها در زندگی اجتماعی انسان است. در جامعه‌شناسی ویژگی‌های اساسی گروه، چگونگی تکوین گروه، تفاوت گروه با غیر گروه، انواع گروه، گروه به عنوان یک نظام اجتماعی، انواع آسیب‌های گروهی، تأثیر این آسیب بر فرد، نقش فرد

در گروه و ... بصورت تفصیلی مورد بحث قرار می‌گیرد. مناده آلمانی است که آغاز توجه به پدیده گروه را از نیمه دوم قرن بیستم و ناشی از بررسیهای جامعه‌شناسان آمریکایی بدانیم. معدنک تریدانی نداریم که بررسی گروه‌ها و روابط انسانی، تا ابتدای قرن بیستم حالت تجربی بداشت.

در کتاب درسی از گروه به عنوان مجموعه‌ای از انسانها که دارای خصوصیت و فعالیت‌های مشترک هستند و با هم روابط نسبتاً پدیدار و منظم دارند یاد کرده‌ایم. ولی باید دانست که تعریف جامعه‌شناختی ویژه گروه خیلی مفصل تر و قوی تر از آن است که گفته شد. تعریف کامل تر گروه اجتماعی باید مشخصات و ویژگی‌های زیر را دربرگیرد:

۱- واحد اجتماعی که گروه نامیده می‌شود، باید از ذیون، به افرادی که عضو آن هستند، و از بیرون، به اشخاصی که با نظر آن هستند، چنین هویتی را القا کند.

۲- گروه یک ساختار اجتماعی دارد، در این معنا که موقعیت هر عضو یا هر شخص نسبت به موقعیتهای دیگر معین است. روی همین اصل، آرایشی از پایگاه‌های اجتماعی یا قشر بندی اجتماعی در هر گروه بندی مثلاً در خانواده مشاهده می‌شود.

۳- در گروه نقشهای فردی وجود دارد. هر گاه اعضای گروه نقشهایشان را ایفا نکنند، زندگی گروه خالجه می‌یابد.

۴- روابط متقابل میان اعضا اساس گروه اجتماعی است. این ارتباط حتی به صورت محدود بیس در شخص باید به صورت فرایندی در جالبه باشد.

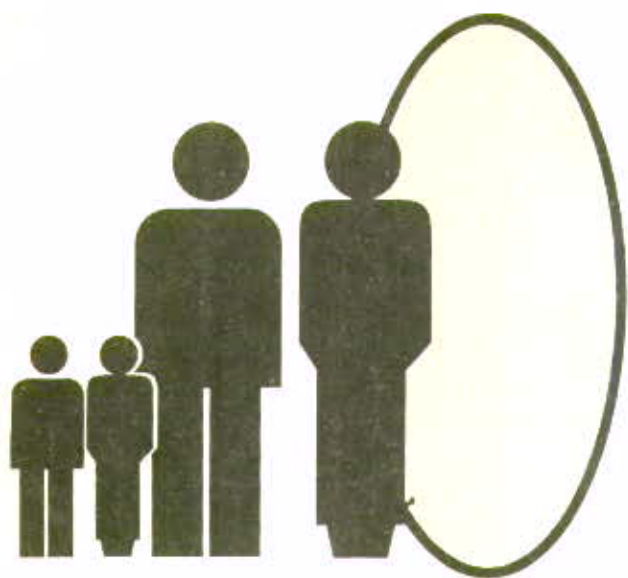
۵- هر گروه هنجارهای رفتاری دارد که بر نحوه ایفای نقشه مؤثرند. این هنجارها قواعد مکتوب نیستند. اما اعضای گروه آنها را مراعات می‌کنند.

۶- اعضای گروه پاره‌ای متعلق مشترک و پاره‌ای ارزشهای مشترک دارند. گاهی این ارزشها کاملاً واضح نیستند، اما حضور آنها وقتی نمایان می‌شود که اختلاف در سطح ارزشها باعث متلاشی شدن گروه می‌شود.

۷- هر گروه عمری نسبی دارد که می‌توان دوره زمانی آن را اندازه گرفت و این یکی از نشانه‌های مهم افتراق میان جمعیت و گروه اجتماعی است.

با توجه به موارد بالا جامعه‌شناسان تعریف متعددی از گروه اجتماعی ارائه کرده‌اند که هر کدام حاوی خصوصیات معینی از گروه اجتماعی است و در مواردی صفات یا خصوصیات رایج عنوان شده اصلی ارائه کرده‌اند که از استحکام پاره‌ای از آن تعریف می‌کاهد.

مثلاً آلبیون اسمال (A. Small) در کتاب «جامعه‌شناسی عمومی» گروه اجتماعی را عده‌ای از افراد می‌داند که بین آنها روابطی موجود باشد که از آن زندگی کردن در کنار هم مستفاد شود. در مورد این تعریف باید گفت «زندگی کردن در کنار هم» مفهوم تری در دنیای محدودی می‌کند که در مواردی قابل اعمال است. جامعه‌شناسان



دیگه هومز (G.G.Homans) گروه اجتماعی را ترکیبی از عادت و عبادتی از افراد می‌داند که مناسی تقریباً هم‌لایه‌ای دارند و یکدیگر را در حد و سیر الهامه هم از تصادف و سبب و قیام و حد در در و پس از سبب و حضور و دستخورد و جور و واسطه هم در شکر سبب^۳ این تعریف سبب تعریف می‌شود از آنکه مناسی مثل مناسی هم‌لایه، عادت و عبادت و سبب و سبب و واسطه بود از گروه اجتماعی که کمتر محدودیتی بر عادت که تجربه سبب سبب هم در سبب مختلف پس سبب کرده معنی سبب بر عادت سبب که تعریف هم در دیگه که پس حضور پس که و همی اجتماع مناسی و خود سبب که از آنکه آنها خود دارای می‌شود پس سبب می‌تواند به تعریف تعریفی که در گذشته آمده است و با کلماتی که در سبب سبب کرده و گفته شده به سبب و درجه اجتماع مناسی پس تعریف نیز سبب سبب این تعریف را تعریف می‌داند که آن می‌باشد.

ملاکهای طبقه‌بندی گروههای اجتماعی

گروههای اجتماعی را می‌توان به صدق گروهی طبقه‌بندی کرد. مثلا گورویچ (G.Gurvitch) یکی از کسانی است که کوشش کرده است سبب‌های به الی طبقه‌بندی کرده‌های اجتماعی از آنکه گروه سبب‌های چون در چه یک‌گی، نوع افراد، سبب، مقرب اجتماع، سبب یا سبب که و همی، نظریات کل اجتماع، حجم، توافق، محتوای همی تعریف، میزان با فکری میان افراد، مناسی تشکیل و امکان و سبب که و در چه سبب‌های، در که و جهت سبب و این سبب سبب است^۴ در آن به بعضی از مهم‌ترین ملاکها اشاره می‌کنیم:

۱- تعداد گروه به سبب اجتماع می‌تواند گروهی از نظر وسعت انقباض سبب که و همی که چند سبب اجتماع در چه سبب اجتماع هستند و از گروههای بزرگ مثل اجتماع ها

۲- امکان عضویت در گروه، ورود در بعضی از گروهها از آن در برخی دیگر مثل وظرف و مواردی حتی چه سبب دارد

۳- در چه سبب‌های از نظریات چه سبب‌های و روابط و مناسی حکم بر گروه، همه که و همی اجتماع مناسی و سبب سبب می‌باشد.

۴- کارکرد گروهها عمدتاً کارکردهای ابتدائی از یکدیگر مشتق می‌شوند. طبقه‌بندی تفکیک و طبقه‌بندی گروهها به اندازه دیدگاه‌های برخیها متعدد است. بعضی از این صدها بنیاد ارزش جامعه‌شناسی به جزئی دارند. طبقه‌بندی که و همی به حسب آثار و سبب، اصلاح جرمی به ما می‌دهد مگر این که اندازه گروهی به سبب دیگری که تعریف جامعه‌شناسی را که در سبب گذشته شده باشد به ملاک طبقه‌بندی گروهها به حسب دو است. به سبب چه از جامعه‌شناسی سبب طبقه‌بندی است. از سبب آنکه دارای سبب جامعه‌شناسی مانند سبب است. این ملاکها به با کلمات دیگر آنها در سبب گذشته در

۵- حاصلات رابطه بین افراد در این مورد معروفترین تعریف گذاری، معیاری است که اولین بار توسط ویس (F.Tönnies) بین اجتماع (Community) و جامعه (Society) پیشنهاد شده است. وی اجتماع را «همبستگی صمیمانه، خصوصی و انحصاری»^۵ تعریف می‌کند و به عنوان نمونه گروه‌هایی که بر این نوع روابط مبتنی هستند از خانواده یا گروههای خویشاوندی، همسایگان (اجتماع روستایی) و گروه دوستان نام می‌برد. او جامعه را از آنکه عمومی این چیزی که مرده آگاهانه، دانسته در آن وارد می‌شوند، تعریف می‌کند و به عنوان نمونه بیشتر از گروه‌هایی نام می‌برد که با سبب اقتصادی متراکم در دارند. وی در تعریف اجتماع، جامعه‌شناسی خاصه عمده به کار می‌برد از سبب اینکه، در اجتماعات افراد به عنوان اشخاص کاملاً شرکت می‌کنند و می‌توانند نسبت به سبب مقاصد بی‌شمار خود را در داخل گروه بر آورده سازند. حال آنکه در جوامع کاملاً در کارها شرکت ندارند، بلکه در صدد بر آوردن هدفهای خاص و معینی می‌باشند. در آنکه یک اجتماع در آن نوعی توافق احساس به عاطفه افراد و وحدت می‌باشد. در صورتی که یک جامعه به توافق عقلانی در مورد مسأله به یک‌گی می‌رسد^۶

مبانی مشترک گروههای اجتماعی

از جمله مشترکاتترین و عموماً ساده‌ترین نظامهای طبقه‌بندی گروهها، نظام طبقه‌بندی بر پایه چهار سبب مشترک عضویت در گروه است. این نظام طبقه‌بندی پیش از آن که تکراری علمی باشد، روشی عمومی و مبتنی بر عقل سلیم است که به کمک آن تعداد زیادی از گروهها را می‌توان در چند مقوله طبقه‌بندی کرد. چهار سبب مشترک سبب عضویت در گروه عبارتند از: الف) تبادل مشترک، ب) نیازهای مشترک، ب) اهداف مشترک، ب) خصوصیات جسمانی مشترک، د) منابع مشترک. البته

باید گفت که این چهار مسأله گروه‌بندی اجتماعی، چهار طبقه‌بندی انحصاری نیستند، بلکه ابتراعی از واقعیت‌های عینی‌اند. در واقعیت امر، یک شخص هم‌زمان می‌تواند عضو چند گروه اجتماعی باشد. مثلاً گروه خانوادگی، اتحادیه شغلی، حزب سیاسی، باشگاه ورزشی و ...

انواع گروه‌های اجتماعی

با توجه به آنکه گروه‌های اجتماعی می‌توانند تنوع بسیار داشته باشند انواع متعددی از هر کدام از آنها را می‌توانیم تمیز دهیم که در اینجا مهمترین آنها به صورت اجتمالی مورد بررسی قرار می‌گیرند

الف - گروه نخستین: قبلاً گفته شد که گروه نخستین یا اولیه به گروهی اطلاق می‌گردد که در آن روابط بین اعضا عاطفی است و اعضای گروه هدفی فراتر از عضویت در گروه را تعقیب نمی‌کنند. تعداد اعضا در آن معمولاً محدود است. نمونه بارز آن خانواده می‌باشد. به اعتقاد کوولی (C.H. Cooley) احساساتی نظیر وفاداری، صمیمیت و پیوستگی با دیگران در این گروه‌ها آموخته می‌شوند. صفات مشترک گروه‌های نخستین عبارتند از رابطه چهره به چهره، وفاداری، پیوستگی عاطفی، همکاری نزدیک و روابط دوستانه. در نظری این صفات هر کدام بی‌نقشه در گروه‌های نخستین هدف تلقی می‌شوند و نه وسیله. - اینکه گروه نخستین یا اولیه کوچک است، اما ابعاد آن هم به اندازه احساسات مشترک بین اعضا آن مهم است. گروه نخستین پایه‌های اولیه ساخت از زندگی بشری را به فرد عرضه می‌دارد و به عنوان منبع مهم احساس تأمین و آرامش خاطر فرد از نظر عاطفی محسوب می‌شوند. برای کودکان، این گروه‌ها به منزله مدرسه‌ای هستند که راه‌های برقراری روابط متقابل انسانی و مسائل مربوط به بازی و کار را می‌آموزند. میان افرادی که در این گروه‌ها عضویت دارند پیوندهای عاطفی نزدیک و محکم است. خصیصه‌های خوب و مثبت انسان در خانواده، گروه همسالگی و گروه کودکان همبازی رشد می‌کند.

ب - گروه‌های دومین: قبلاً نیز اشاره رفت که گروه دومین یا ثانویه به گروهی گفته می‌شود که در آن روابط بین اعضا ارادی و حساس‌تر است و اعضای گروه برای رسیدن به هدفی عضویت گروهی را می‌پذیرند. تعداد آنها معمولاً از گروه نخستین بیشتر است. این نوع گروه‌ها بیشتر حالت رسمی دارند و روابط میان افراد در آنها کمتر مبتنی بر احساس و عاطفه است. در طی سالهای اخیر به استناد بعضی از شواهد در کشورهای صنعتی پیشرفته، گرایش بیش از پیش به سوی گروه‌های دومین است. از این جهت است که در مواردی مسئله به این شکل طرح شده است که اگر روزی سازمانهای وسیع از نوع دومین به کنی حای گروه‌های نخستین را نگینند، در این صورت آیا بشر با مدلسی نظیر فقدان هویت و یا از خود بیگانگی مواجه نخواهد بود؟ لازم است در مورد تقسیم‌بندی گروه‌های اجتماعی به دو نوع

نخستین و دومین، به دو نکته اشاره کنیم. اول اینکه این دو نوع در حقیقت گونه‌هایی آرمانی (Ideal) هستند و احتمالاً به‌خوبی بررسی شدند که گویی در دو قطب مخالف هم قرار دارند. در حقیقت در شرایط معمولی زندگی اجتماعی به خیلی از روابط بررسی حوریم که نمی‌توانیم آنها را دقیقاً نخستین یا دومین بدانیم. چنانکه این روابط دارای خصیصه‌هایی از هر دو نوع گروه هستند.

دومین نکته‌ای که در همین زمینه (تایید گروه‌های نخستین و دومین) باید مورد توجه قرار دهیم این است که در خیلی از موارد گروه‌های نخستین ممکن است اساساً از چارچوب گروه‌های دومین راده شوند. به عنوان مثال کارمند یکی از مؤسسات بزرگ - عده‌ای از همکاران نزدیک خود روابطی بسیار صمیمانه برقرار کند و یک گروه نخستین تشکیل دهند، در عین حال که کتبه آنها در مساحت کلی سازمان نا آشنا باشد و به عنوان یکی از مبردهای فرعی به حساب آمده و به نقش خود عمل نمایند.

ج - گروه مرجع: هیمس (Hyman) طی بررسی‌های خود نشان داد که پایگاه ذهنی یک فرد از ابعاد متناسب با پایگاه اجتماعی - اقتصادی وی (به گونه‌ای که از طریق عوامل عینی مانند درآمد و سطح آموزش قابل تشخیص است) نمی‌باشد. خصیصه‌هایی که برای ارزیابی شرایط فرد از این نظر نگار می‌رود الزاماً با گروه اجتماعی که فرد به‌طور عینی به آن وابسته است مرتبط نیست، بلکه رفتارها ممکن است از گروهی ناشی شود که شخص عضو آن هم ناشدنی برای وی که در سبب حالت چارچوب مرجع را داشته باشد (گروه مرجع). به عبارت دیگر گروه مرجع آن نوع گروهی است که عقاید، اعمال و رفتارهایش مورد توجه، اعتماد و عمل اعضا و یا سایر کسانی است که احتمالاً در آن گروه عضویت نیز ندارند.

د - گروه فشار: در بعضی جامعه‌های جدید گروه‌های سویی ظهور شده‌اند که هدف آنها به زانو در آوردن سیاست دولتها یا سازمانهای بین‌المللی به سود منافع و یا گرایشهای خاص است. این گروه‌های فشار ممکن است دارای پایگاه رسمی باشند یا نباشند. شیوه‌های عملکرد گروه‌های فشار بر حسب ماهیت و درجه اهمیت این گروه‌ها می‌تواند متنوع باشد. در مواردی ممکن است گروه‌های فشار به افکار عمومی رجوع کنند و از طریق وسایل ارتباط جمعی دست به فعالیت بزنند.

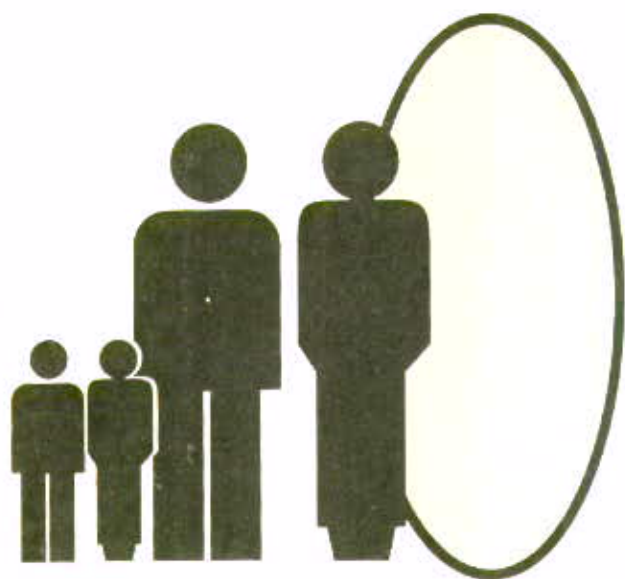
لازم به یادآوری است که جامعه‌شناسان انواع دیگری از گروه‌های اجتماعی را با توجه به ویژگی‌هایی که قبلاً به آن اشاره رفت نام می‌برند که نیازی به توضیح درباره آنها دیده نمی‌شود. از جمله این گروه‌ها می‌توانیم گروه‌هایی چون گروه مصنوعی، درون گروه و بیرون گروه، انجمن، گروه‌های اقلیت، گروه‌های ارادی و غیر ارادی، گروه سنی، گروه خانوادگی، گروه‌های تریبی، اقتصادی، سیاسی، دینی، تفریحی را ذکر کنیم.

فاصله اجتماعی

مفهوم فاصله اجتماعی به این معناست که فرد چه احساس نزدیکی و صمیمیت را در ارتباط اجتماعی خود می‌پسندد و چگونه به آن واکنش می‌دهد. فاصله اجتماعی به این اندازه‌گیری از جهت احساس صمیمیت در روابط اجتماعی اشاره دارد و به همین احساس و فاصله اجتماعی به این معنی می‌شود. فاصله اجتماعی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: فاصله جسمی و فاصله روانی.

رهبری گروهی

رهبری گروهی خواهد بود هر یک که در گروه به دنبال اقتدار باشد. رهبری اقتدارگرا در یک گروه یا سازمان به گونه‌ای است که رهبر به تنهایی تصمیم‌گیری می‌کند و به دیگران دستور می‌دهد. رهبری مشارکتی در یک گروه یا سازمان به گونه‌ای است که رهبر با دیگران در تصمیم‌گیری مشارکت می‌کند و به دیگران فرصت می‌دهد تا نظر خود را بیان کنند. رهبری تحولی در یک گروه یا سازمان به گونه‌ای است که رهبر با دیگران در تصمیم‌گیری مشارکت می‌کند و به دیگران فرصت می‌دهد تا نظر خود را بیان کنند. رهبری تحولی در یک گروه یا سازمان به گونه‌ای است که رهبر با دیگران در تصمیم‌گیری مشارکت می‌کند و به دیگران فرصت می‌دهد تا نظر خود را بیان کنند.



تخصیص می‌دهند، زیرا که می‌خواهند مورد پذیرش گروه قرار گیرند. وانگهی، شخص نمی‌خواهد مورد سرزنش، نقد یا تمسخر اعضای گروه قرار گیرد. لذا این نظریات بسیار خلاصه می‌توان گفت فرد را گروه و دارای تأثیرات متقابل می‌باشند.

زیرنویسها

- 1- احمدی، آ. فرهنگ علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی، فصل پنجم، تهران: انتشارات گنجینه، 1390، چاپ دوم، صفحه 123
- 2- Landzey, Gaet al. Social psychology New York: Amerind, vol.4 2nd Edition, 1975, p.p. 102-114
- 3- Ibid
- 4- زامانلو، م. بی جامعه‌شناسی، ترجمه حسن مطهر، و حسن حسینی ناشر، تهران: شرکت سهامی علمی، 1322، صفحه 116-119

شماره‌ها

6 - F. Tommes, Community and Association (1887, English trans. London, 1955)

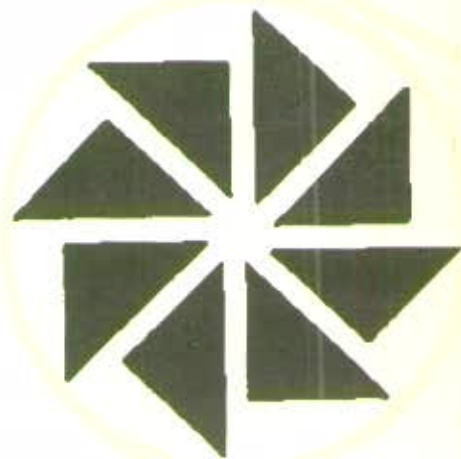
فرد و گروه

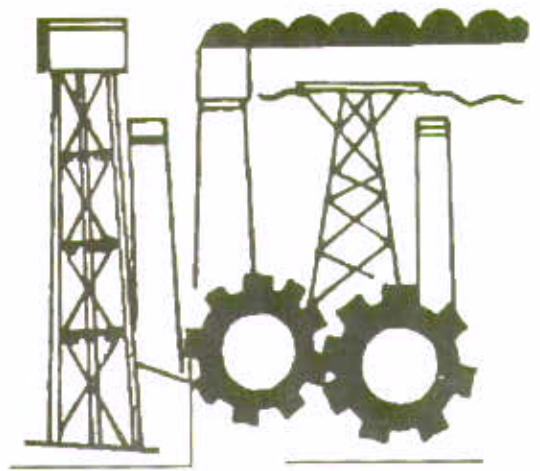
درجه‌بندی می‌تواند استقلال فرد را مشخص سازد. افراد قوی می‌توانند کارهای خود را داشته باشند، اما چگونه شخصیت انفرادی را در کارهای خود نشان می‌دهند. تفاوت‌هایی در این زمینه وجود دارد. اولاً، در این کارها، هر فرد به اندازه تخصصی که از آنها می‌خواهد به صورت مستقل عمل کند، گروه در حل مسائل و تصمیم‌گیری مشارکتی کمک کند. فردی که خیلی بدسترس و جوانگرم باشد می‌تواند به نظر او کسی که رهبر را تصمیم‌گیرنده می‌داند، چون آنچه که تخصص تصمیم‌گیرنده را می‌بیند، به نظر او بدسترس و بدینگونه، در کارهای می‌باشد. اما تفاوت دیگر گروه، جهت مشخصه، روانی فرد است. فردی که در کارها به عنوان یکی از عوامل مهم نظریات خود می‌نویسد، می‌تواند به عنوان نمونه، در تصمیم‌گیری‌ها و رهبری



نگاهی به طرح ارزشیابی از فعالیتهای عملی درس شناخت حرفه و فن

راهنمایی تحصیلی و حرفه‌ای امروزه در رأس برنامه‌های آموزشی جوامع مختلف دنیا قرار دارد. در قبلی سعی می‌کردیم رشته‌های تحصیلی و مشاغل متنوع و گوناگون را به جنبه‌های نگرش‌سوزی پیشرفته مختلف و چندگانانه هدایت و راهنمایی صحیح دانش‌آموزان به رشته‌های تحصیلی متناسب با استعدادها و علائق آنها و آگاه کردن آنان نسبت به مشاغل گوناگون، از مهمترین هدفهای دوره راهنمایی تحصیلی می‌باشد. در مورد اختصاص مرحله دوم تعلیمات عمومی به دوره سه ساله (راهنمایی تحصیلی) مفهوم راهنمایی چنین آمده است: راهنمایی در آموزش و پرورش به معنی توجه به توانایی فردی و فراهم ساختن شرایط مناسبه برای توسعه و استفاده‌های استعدادهای از نظر تأکید بر مسئله شناخت استعدادها، آشنایی با مشاغل متنوع و آشنایی با نیازها و علائق آنان، در حله دوم تعلیمات عمومی می‌باشد.





فعالیت‌های عملی درس ارائه شده است که می‌تواند بر اجرای برای رفع معضله این درس باشد. این طرح بر اساس اهداف و اصول اجرایی درس شناخت حرفه و فن منطبق شده است. طرح مزبور پس از بررسی و تأیید در سمینار کارشناسان راهبردی و گروه‌های آموزشی استانی سراسر کشور مجدداً مورد نظر حواری دبیران قرار گرفت و پس از انجام کارشناسی لازم جهت اجرا ابلاغ گردید.

بر اساس این طرح دانش آموزان علاوه بر انجام کارهای گاهی به انجام کارهای تحصيلی نظیر تهیه پروشور شععی، تهیه گزارش شععی، روزنامه دیواری در زمینه مشاغل، مصاحبه با صاحبان مشاغل، بازدید از مراکز صنعتی و ... خواهند پرداخت.

مش کامل طرح و شیوه اجرایی آن به پیوست تقدیم می‌گردد که در زیر این نامه در این محل نوشته خواهد آمد.

اجرائی دقیق طرح می‌تواند به اهداف درس شناخت حرفه و فن دست یابد. البته توجه مسئولین به طرح و تهیه امکانات اجرایی آن می‌تواند کمک مؤثری در این زمینه باشد. اختیار آزمویه‌هایی در مورد تقلیل ساعات هفتگی این درس به ۲ ساعت و تغییر نام این درس به کار و کارگاه به گوش می‌رسد. کم کردن ساعات هفتگی این درس موجب عدم دسترسی به اهداف تعیین شده آن می‌گردد. اینک که طرح فعالیت‌های عملی درس شناخت حرفه و فن حاکی تازه در مدارس ایجاد کرده است انتظار می‌رود به تبه ساعات درسی کاهش یابد بلکه تقویت امکانات آن مدنظر باشد. نکته دوم تغییر نام درس شناخت حرفه و فن به کار و کارگاه می‌باشد که متأسفانه این نام یعنی کار و کارگاه در جهت اهداف درس نبوده و منسب به نظر نمی‌رسد.

انتظار می‌رود مسئولین محترم و دانشور و آگاهان در سطح گزفتن اهداف و جایگاه ویژه درس شناخت حرفه و فن و افزایش ساعات درسی و امکانات مورد نیاز موجب دلگرمی دبیران و کمکش در شناخت حرفه و فن رانه وجود آورند.

عنوان طرح:

ارزشی فعالیت‌های عملی درس شناخت حرفه و فن بر اساس هدفها و اصول اجرایی

بیان مسأله:

از آنجایی که فعالیت‌های عملی در مدارس راهبردی به دلایل مختلف از نظر کمبود امکانات و فضای کارگاه و برابری محیط کار عملی موردنیجی نوجوهی قرار گرفته است و از مسیر اصلی

تواند استفاده این دوره را اهمیت تحصيلی تأیید شده است. درس شناخت حرفه و فن با توجه به اهداف و هدایای تحصيلی کناره پس شناسه است و از حدنگاه پست‌های در این دوره برخوردار است. اهداف درس شناخت حرفه و فن عبارتند از:

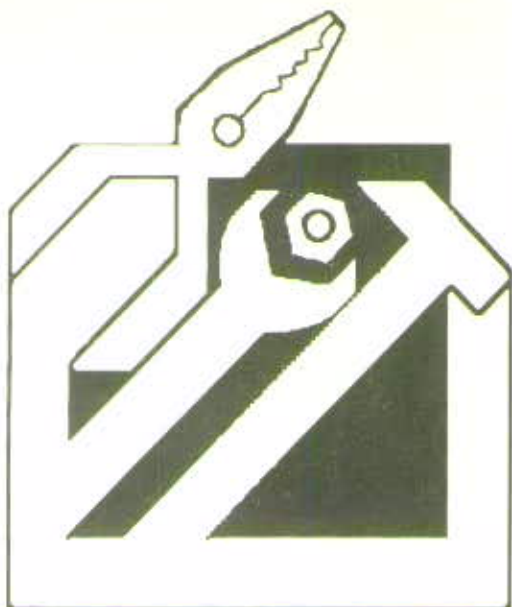
- ۱- آشنایی دانش آموزان با انواع حرفه و فنون
- ۲- تشخیص مهارت و رغبت دانش آموزان به کارهای فنی و حرفه‌ای

۳- آشنایی با بازار کار و مشاغل آمویشی و تعیین به نحوی که دانش آموزان بتوانند استعدادها و توانایی‌های خود را در رشته‌های مختلف فنی و حرفه‌ای بشناسند.

۴- کمک به تشخیص، پرورش ذوق و استعداد دانش آموزان به منظور راهبردی این جهت انتخاب رشته‌های مختلف تا مراحل بعدی.

با این مبانی که اهداف فوق‌الذکر به لحاظ فعالیت‌های عملی حاصل در مدارس راهبردی می‌باشد انجام صحیح فعالیت‌های عملی درس شناخت حرفه و فن می‌تواند در زمینه این اهداف دانش‌موران راهبردی و هنرآموزان باشد.

فعالیت‌های عملی در مدارس راهبردی تحصيلی به دلایل مختلف کم‌رنگ گشته است و بعضاً در انجام کارهای خلاقانه شده است. از جمله دست‌نخورده‌ای بعضی از همکاران در شناسی فعالیت‌های عملی درس موجب تضعیف درس شناخت حرفه و فن شده است. کارشناسان نبود دستورالعملی در این زمینه در انجام دروس شناخت حرفه و فن و لذا تهیه دستورالعملی در انجام فعالیت‌های عملی و ارزشی منطبق و کنونی است. از آن‌لایم، دستورالعملی تهیه شده است. در میان تحصيلی اجرای از صاف گردید موردنیجی در شناخت حرفه و فن فنی در زمینه ارزشی از



منحرف شده است و بعضاً فعالیت های عملی کمتر انجام می گیرد بنا بر این اصلاً انجام نمی شود و یا توجه به اینکه شکوفایی استعداد و خلاقیت دانش آموزان با انجام صحیح فعالیت های عملی امکان پذیر خواهد شد، لذا طرح فرآیند با توجه به امکانات مناطق و هر چه فعالیت شدن مدارس راهنمایی بر اساس هدفها و اصول اجرایی در مس شداخت حرفه و فن به شیوه ای تنظیم شده است که اجرای آن در مناطق مختلف با هر نوع امکانات محلی امکان پذیر است.

هدف:

فعل کردن دبیران حرفه و فن و دانش آموزان در جهت انجام فعالیت های عملی، تحقیقی و هدایت تحصیلی و آماده کردن دانش آموزان جهت انتخاب صحیح رشته تحصیلی که نهایتاً به شغل آینده آنان من انجامد. همچنین تفویض روحیه کار، فعالیت و خلاقیت و شکوفایی استعداد دانش آموزان از ضرورت های اهداف طرح می باشد.

ضرورت:

با توجه به اینکه فعالیت عملی در برخی مدارس راهنمایی تحصیلی کم رنگ شده است و در بعضی موارد دادن بهره عملی بقصورت سابقه ای انجام می گیرد لذا جهت ایجاد انگیزه و تحرک در معلمان و دانش آموزان، ارزشیابی دقیق به شیوه مخصوص در زمینه هدایت تحصیلی و شغلی ضروری به نظر می رسد.

عوامل اجرای طرح:

آموزشگاه، دبیر حرفه و فن با نظارت مسئول مدرسه
عطفه، گروه های آموزشی، مسئول آموزش دوره راهنمایی
تحصیلی

شیوه اجرای طرح:

ثبت نامه در فرم ارزشیابی فعالیت های عملی در مدرسه توسط دبیر حرفه و فن

مراحل و روش های اجرای طرح در واحد آموزشی:

- ۱- فعالیت های عملی در مس طسط جدول پیوست در سه بخش کارگاهی با ۵ عنوان - کارهای تحقیقی و هدایت تحصیلی با ۳ عنوان و آشنایی با جامعه با ۲ عنوان تقسیم می گردد.
- ۲- برای هر یک از عناوین و سه فصلهای کار عملی در م

و بهره ای در نظر گرفته شده است.

۳- مجموع بهره ۲۰ می باشد.

۴- با عنایت به اینکه بهره در مس شداخت حرفه و فن ۱ بهره

عملی و ۱۱ بهره کنی می باشد، لذا از مجموع ۲۰ بهره ۱۱

بهره توسط دبیر حرفه و فن انتخاب و با دانش آموزان کار می شود.

مشروط بر اینکه از هر بخش ۱ کارگاهی - تحقیقی و فعالیت های

دانش آموز در ارتباط با هدایت تحصیلی و آشنایی با جامعه

حداقل یک عنوان در هر ثبت انتخاب گردد.

۵- نمرات کسب شده در هر مورد در فرم ارزشیابی در ستون

مربوط ثبت و مجموع آن در ستون جمع درج می گردد.

۶- با توجه به اینکه فعالیت های عملی در ستون هدایت تحصیلی

انجام می گیرد بنابراین فعالیت های عمومی مهد - آون - آون در ستون

افقی بوبت اول و فعالیت های عملی دی و همی و امتحان در ستون

بوت دوم و فعالیت های عملی فروردین - اردیبهشت و خرداد در

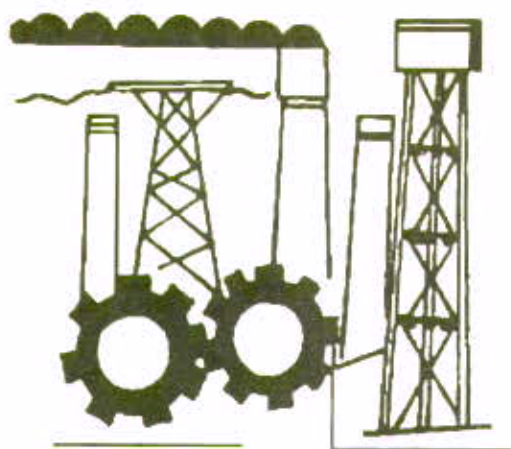
ستون افقی بوبت سوم ثبت می گردد.

۷- در صورتی که کارهای انتخاب شده در هر بوبت از ۱۰

نمره بیشتر شد دبیر حرفه و فن می تواند بابت آن بهره تعیین شده را

تغییر دهد.

۸- نگهداری لیست در دفتر مدرسه به مدت یکسال



(فعالیت های عملی درس شناخت حرفه و فن بر اساس هدفها و اصول اجرای آن)

ردیف	توضیحات	تعداد
۱	انجام کار توسط معلم و مشاهده آن توسط دانش آموزان از نزدیک و ارزش و اقتضا کارگاهی	۱ نفره
۲	انجام کار توسط دانش آموزان همگروهی معلم در جلسه	۴ نفره
۳	انجام کار مستقل توسط دانش آموزان (انگیزات)	۱۵ نفره
۴	فعالیت هایی که دانش آموزان در مورد انجام می دهند	۱ نفره
۵	شناخت قطعات، اندازه گیری و اندازه	۲ نفره

کارگاه روزانه در آشنایی با فعالیت تخصصی

۴	دانش آموزان با ساختن متغیبات و تهیه کارشناس توسط دانش آموزان	۱ نفره
۶	تهیه کارشناس، جمع آوری اطلاعات، مورد دیگری از حرفه های مختلف و رشته های تخصصی ساخته	۲ نفره
۹	همکاری در تهیه روزنامه آموزشی یا خبری و در مورد ساختن مختلف کتاب حرفه و فن و مشاغل و به تهیه بروشور مربوط به مشاغل	۲ نفره

اشتیاق با جامعه

۹	سازماندهی تهیه کارشناسی و کارگاه های انجام شده	۳ نفره
۱۰	درجید انجام کارشناسی از کارگاه های محلی و دیگر مراکز اقتصادی صنعتی و آموزشی و بعد از آن با ساختن متغیبات و از دیگر روشی از کارگزاران	۲۵ نفره

۴ نفره

جمع همه

این فعالیت ها به هیچ عنوان جایگزین کارگاه های تخصصی در زمینه های مختلف حرفه و مشاغل نیستند و این فعالیت ها به عنوان فعالیت های تکمیلی و در کنار آن انجام می شود.



بمکامی هنر و ادبیات در آموزش

مصطفی کشفی

ادبیات و دانش فارسی، عناصر جلالی خاصی دارد و با جوهری که در جان کلام دارد، شیفتهگان بسیار
 به کلستان بوستان حویث، فرامی خواند، نملها و نملها، قطعه با دقت، و قصیده با دقت، و غزلهای به جا مانده ذهن احوال
 نماند و گویدگان سرانندگان بفرستد آن، همیشه با خوشنویسان و تصویرگران و صحافیان و جلدسازان، راه
 تاریخ بجزرا بصورتان، تا به امروز، پیوسته است.

خوشنویسی و تصویرگری، در کنار آثار مجامانده، گنجینه های دوگانه ای است که از دیرباز، در پهنه روزگار
 می درخشد چشم جان دل مشتاقان را، در موزه ها و مجموعه ها، خزانه های سازد؛ و هر سینه ها صاحب نظری می پرسد:
 کاربرد است؟ چه چشمی زده! چه حوصله ای! بفرستدش کیست؟

عزلی از حافظ، حکایتی از کلستان سعدی، شرح رزم و حماسه ای از فردوسی، منظر چشم اندازی از نظامی،

بآدل و جان ما، دیرینه القی دارد. امروزه روز نیز، این الفیت پیوند به چشم می خورد و کتاب هنر دوره راهبانی تحصیل،
 به معرفی برخی قطعات نگارگری ایرانی، می پردازد. در دیگر کتابهای درسی، به ستهای دیرین، اعتنایی شده است و
 رد پای به گذشته های سرشار از معرفت و صورتی دارد.

در کتابهای کودکان نوجوانان، شعر و قصه و نقش و نگار، دست هم را گرفته اند و در زمین پاک و صادق
 مخاطبان خویش، جایی باز کرده اند. این کرده سستی، می تواند با کسب تجربه بیشتر و به دست آوردن مهارتهای لازم، با
 بزرگتر، کتابت و خوشنویسی و تصویرگری و صفحه آرایی، به صورت سنتی و علمی، آشنا شود. قابلهای کوتاه شعری،
 می تواند به تصویرگری خوشنویسی در کنار هم، کمک کند و برای نوجوان، عرصه فعالیت تازه ای را بگشاید و در نهایت

دقت و تمرین و تجربه ای را، همراه با آموزش های تئوری، برایش به ارمغان آورد. دانش آموز، قطعه شعر مورد علاقه اش را، با خط "خوش" می نویسد و با تأثیر تصویری که از موضوع می گیرد، به نقاشی و تصویرگری می پردازد. آثاری که در این مرحله از نظر خوانندگان صاحب نظر، می گذرد، کوششی است در این راه:

قطعه: هر درختی، پیام زیبایی است زنده باید شد از پیام درخت
 می شود هر پیام، چمن گل سبز زنده باشد همیشه نام درخت!

می چرخد برگی	از باد پاییز
سر تا پا شور است	از قصه لبریز
می گوید با باد:	ای دوست ای ما!
بزدی مرا تو!	بیاد در عباب
من بر می گردم	با یک جوان
بارنگ سبزی	آیم به خانه!
فرش سبز خود	می گسترم زود
کنار کوچ،	یا بر لب رود
آماده هستم	من با نگاه می
می آیم بانو	هر جا که خواهی!



بگذارید بچه‌ها صحبت کنند

با دانش و پیش خود می‌فرازید

آیا سکوت در کلاس لازم است؟

باید توجه داشته باشیم که بر اثر اصرار بیش از حد معلم به تسلط بر دانش‌آموزان و تحت سرافقت گرفتن آنها و صفت‌های بسیار آن که بر این تعلیم مناسب است از دست می‌رود، فرصت‌هایی که هرگز تجدید نمی‌شود. بعضی از معلمان البته از این می‌ترسند که به دانش‌آموزان شلوغ و نامنظم و به‌تألی در اداره کلاس متوجه شوند و این امر می‌تواند موجب می‌شود که کوشش کنند به حد ممکن دانش‌آموزان را از اظهار نظر و حاشی و فعالیت بازدارند و عمل‌نگیر این است که این حالت به تدریج در چنین معلمانی راسخ و به سمت‌شوق آنها تبدیل می‌شود و چه بسا تاوان این صفت را کودکانی باید بپردازند که سالی‌ها آینده‌شانگرد چنین معلمانی خواهد شد. بهر حال، اصلی که همه به حداقل در نظر می‌دهند آن اعتماد داریم این است که کلاس درسی محلی است برای یادگیری، محلی است که در آن دانش‌آموزان یاد می‌گیرند چگونه سخن بگویند، چگونه به گفته دیگران گوش بدهند، چگونه نویسند، چگونه خواهند، چگونه مسائل ریاضی را حل کنند، چگونه مقدمات علوم را بیاموزند، چگونه به دیگران سئوالات داشته باشند، چگونه ادب نفس بیاموزند و آداب معاشرت و همبستگی با دیگران را فراگیرند. همه مادران و پدران می‌خواهند فرزندانشان در زمینه‌هایی از علوم، ادبیات، هنر، صنعت، تجارت و این‌همه‌ای از فعالیت‌های اجتماعی بصیر و مطلع بار آیند و به حال خود و بر این اساس جامعه خود مفید واقع شوند. در مقدمه و نظریه‌های کلاس‌های مدرسه است که نخستین قدم‌ها به سوی این هدفها گذاشته می‌شود. از سکوتی از آنگونه که اشاره شد، می‌توان این نخستین قدمها

نصورت‌دهی و متحد شده‌ها از یک کلاس خوب، غالباً آن است که ساکت و آرام باشد، هر کسی به جای خود نشسته باشد و اندکی مراحمتی برای معلم فراهم نشود تا معلم بتواند بر احتیاج درسی را بگوید، تمرین‌ها و تکالیف را کنترل کند و اگر هم وقت اضافی در کلاس بدمست آید، در کلاس قدم زدن و رنگ‌رنگ شده‌ها اما همه می‌دانیم که این تصور ناپذیر و غلطی است که در یک نظام تعلیم و تربیت سه‌تله محلی از اعراب ندارد بلکه ساکت و آرام بودن کلاس در سر خود می‌تواند یک علامت خطر باشد. خطر اینکه یادگیری به نحو مطلوب صورت نگیرد. در چنین کلاسی، دانش‌آموزان مسئولیتی نمی‌کنند و جوابی نمی‌شوند. معلم متکلم و حده است. موردی پیش نمی‌آید تا در باب موضوع درس و یا در حاشیه آن توضیحات اضافی داده شود و لحظه‌ای نیست که شاگردان در فعالیت کلاسی که در واقع منحصر به فعالیت معلم است شریک باشند. توجه معلم در چنین کلاسی معطوف آن است که میز و نیمکت تکان بخورد کسی - دیگر آن صحبت نکند و در کلاس راه‌نرو و دانش‌آموزان بگذرد و آرام‌توی نیمکتها چیده شده باشند همین

برعکس اگر در کلاسی همه‌ها و جنبش وجود داشته باشد می‌توان گفت یادگیری در آنها وجود دارد.

این جنبش و همه‌ها حتی اگر به تعبیر مولوی «کوشش بی‌مورد» باشد به از خفتگی است و بهتر است از آن سکوت و آرامشی که به ضرب قنارت و تحکم معلم در کلاس برقرار شده است. در چنین کلاسی افکار و اندیشه‌ها شکل می‌پذیرند سئوالات به ذهن دانش‌آموزان خطور می‌کند و امکان طرح می‌یابند، اندیشه‌ها متداول می‌شوند، طرح بحث و گفتگو ریخته می‌شود، هر دانش‌آموز از دانش‌آموز دیگر با همه دانش‌آموزان از افکار معلم خود بهره می‌گیرد

باز هم توجه به نیازهای فردی!

بنظر می‌رسد توجه به نیازهای فردی دانش‌آموزان و تأمین آنها بهتر می‌نواند به بگانه ساختن آنها در جهت کسب روحیه ای جامعه‌پذیر و سازگار ساختن آنها با یکدیگر مؤثر باشد تا اینکه سعی کنیم همه آنها را در یک مسیر خاص و از پیش تعیین شده هدایت کنیم. علاوه بر اینکه عدم توجه به این نیازها یادگیری دانش‌آموزان را به تعویق می‌اندازد و آنها را در مسیرهای ناخواسته قرار می‌دهد. این راه‌ها هم می‌دانیم که برنامه‌های تحصیلی معمولاً انعطاف‌پذیر نیستند. ما به همه دانش‌آموزان از یک دیدگاه نگاه می‌کنیم و از آنان توقع داریم که از مطالب کتاب و توضیحات و بیانات ما به یکسان بهره‌گیرند. و در پایان نلث یا در آخر سال نیز در یک امتحان هماهنگ، به همه سوالات به یکسان پاسخ دهند و فعلاً از آن هم‌گری و گزیری نیست. در چنین وضعیتی بر عهده معلم است که - مهارت و دوق و هشیاری خود این انعطاف‌پذیری را تا حد ممکن تقلیل دهد و بار آن را از روی دهن و روان دانش‌آموزان کاهش دهد.

این انعطاف‌پذیری البته تماماً مشکل دستگاه خاصی نیست و مخصوص کشور ما هم نیست بلکه یادگار عصری است که در آن فقط کودکان با استعداد لایق تحصیل تشخیص داده می‌شوند و افراد نامستعد و بعضاً ناتوان راه به مدرسه نداشتند و به‌اصلاً تحصیل برایشان مسئله زندگی نبود. اما امروزه وضع عوض شده و تحصیل برای همگان، بصورت امری اجتناب‌ناپذیر درآمده است. همین همگانی شدن تحصیل، موجب گردیده توجه به استعدادهای فردی، مورد غفلت قرار گیرد و «فرد» در جمیع به فراموشی سپرده شود. این مطلب هنگامی بیشتر جلب توجه می‌کند که ببینیم در دوره راهنمایی تحصیلی، که فلسفه وجودی آن کشف استعدادها و هدایت تحصیلی دانش‌آموزان است؛ رشد و پیشرفت همه دانش‌آموزان را با یک متر و یک معیار اندازه‌گیری کند و مثلاً در زمینه امتحان پیشرفت تحصیلی همه دانش‌آموزان یک امتحان را با یک نمونه سؤال محک می‌زنند و ...

یک نظریه در تعلیم و تربیت این است که باید تعلیم و تربیت را از همان سطحی که فرد در آن قرار دارد آغاز کرد و پیش رفت. در بسیاری از نظامهای تعلیم و تربیت این نظریه و عقیده بکار بسته شده است. با این حال فرزندان خانواده‌های فقیر که از محیط و فرصتهای مناسب برای رشد محروم اند غالباً به مدارس خوب راه نمی‌یابند، و در شرایطی تحصیل می‌کنند که به نیازهای خاص و یا فردی آنها توجه نمی‌شود و بنابراین تعلیم آنها از همان سطحی که هستند آغاز نمی‌گردد به عبارت دیگر این فرزندان وقتی وارد مدرسه می‌شوند خود را در محیطی کاملاً جدید و ناآشنا می‌یابند. حتی ربانی که در این محیط جدید به آن سر و کار دارند با زبان فقیرانه آنها فرق محسوس دارد در نتیجه آنها تحت تأثیر محیط همه‌آموزشها و عادات قبلی خود را غلط می‌یابند و متوجه می‌شوند که اگر بخواهند توفیقی بدست آورند باید خودشان را کاملاً تغییر دهند و البته خودشان قادر به تغییر

خودشان نیستند. درست در همین نقطه حساس است که نظام تعلیم و تربیت باید وارد کار شود و چنین دانش‌آموزانی را در گذراند و آنها را دریابد، چرا که اگر این افراد از توجه و پشتیبانی برخوردار نشوند مخصوصاً نیازهای روحی و عاطفی فردی آنها برآورده نگردد و رشد آنها از همان سطحی که در آن قرار دارند آغاز شود به افراد توجه نمود و به سوم اجتماع مبدل می‌شوند.

نکته گفتنی درباره نظام تعلیم و تربیت سنتی، این است که در آن نظام به آموزش و پرورش انفرادی و به تعبیر رایج - «به تفاوت‌های فردی» بسیار بیش از نظام امروز توجه می‌شد. شما سرگذشت و خاطرات هر کدام از استادان و پیشکسوتان علم و ادب و هنر امروز کشورمان را بخوانید یا بشنوید خواهید دید که تقریباً همگی آنها از بر تاد ویژه خودشان با یک استاد یا معلم به نامی بزرگ خدمات و سخن‌ها دارند و تأثیر همان فرد بوده که همین شاگردان را پرورش داده است. این را می‌توان اینگونه تعبیر کرد که در نظام سنتی - معلم یا استاد، یک فرهنگ محتم بود که در روانی روح و فکر شاگرد خود رسوخ می‌کرد و در نتیجه شخصیت شاگرد را اثر اعداد گوناگون شکنی می‌داد در حالی که نظام امروزه - بواسطه اینکه وظیفه اش تولید افراد تحصیل‌نکرده‌ها است - فر برآوردن همین بهره‌ها توانایی بسیار ندارد. یا این‌حال، اگرچه نمی‌توانیم و نباید به نظام قدیم سرگردیم از توجه به نیازها و شرایط انفرادی دانش‌آموزان نیز نباید غافل باشیم.

مقالی را که خواندید در سدهای زیر خلاصه می‌کنیم.

- ۱- در کلاس درس شرایط را تا حد امکان برای فعالیت فردی، گروهی مساعد کنیم.

- ۲- با همکاری دانش‌آموزان سرای اموال و رفتار خودشان در کلاس، مقررات و ضوابطی تعیین کنیم.

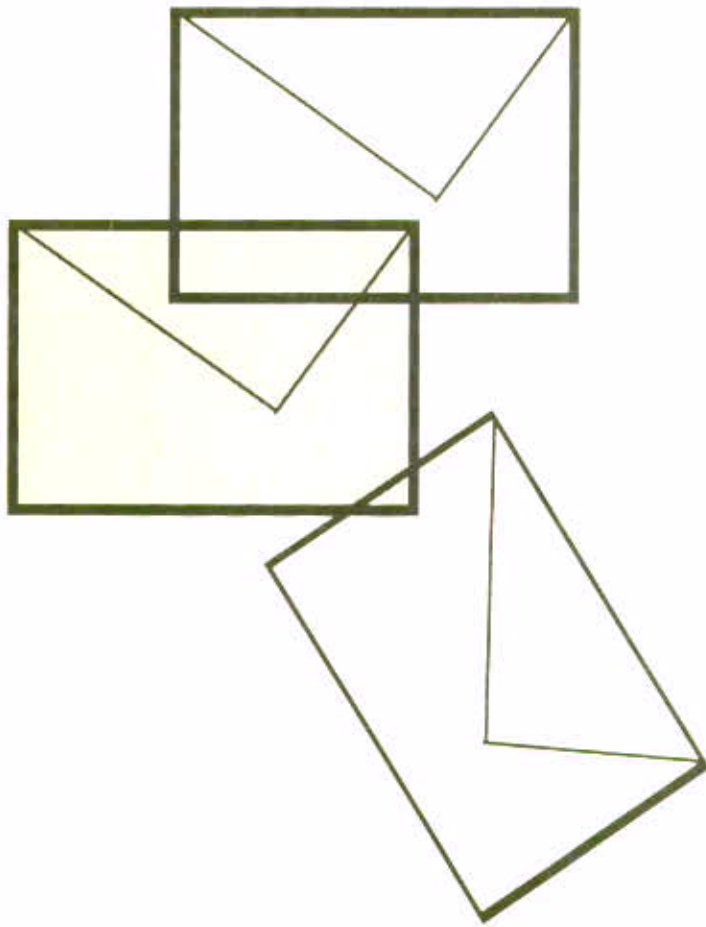
- ۳- در آموزش «ادب نفس» به دانش‌آموزان توجه داشته باشیم. آنها را بسیاری کنیم تا خویش داری بیاموزند و بداند که چگونه بر کردار و گفتار و احساسات خود مسلط باشند.

- ۴- از خودمان شخصیت ناشی به آنها نشان دهیم تا آنها را نیز در شخصیت ویژه خودشان استوار سازیم.

- ۵- هر دانش‌آموز را گنجینه‌ای از احساسات و عواطف و علائق و نیازها ... بدانیم و تفاوت‌های فردی را در این گنجینه مورد نظر قرار دهیم.

- ۶- طرح درس خود را چنان تنظیم کنیم که سؤال‌آمیز، دوق برانگیز و نشاط‌دهنده باشد و از ابهام و گیگی بسوز باشد.

- ۷- دانش‌آموز دوره راهنمایی در حال رشد است و بسیار به رشد دارد. این رشد بوسیله مجال یافتن او در صحبت، در بحث، در یافتن پاسخهای خود، در طرح سؤالیهای خود و در پروردادن اعداد شخصیت خود است.



نامه‌ها

به همین چوب صفا، حضور معجزه قرآن و حدیث در کتاب‌های فارسی داشته‌اند. من جهت استفسار از شما در «مجلس» نامه‌ای از آقای علی‌رضا نژاد دیر پرسیدم. هم‌اکنون شاهد سفر من از صفهان (در صبح ۲۰) به سمت تبریز هستم که گذار من را به آن محله افروخته بودید. امید است که آقای معصوم در جیب من بختندگی که ساعه لطف و رحمتش

برای من حسن عاقبت امیدوار کرد.

امید است که این رساله‌ها ۵۳۰۰ مورد از من شادمان دارد. «لا تحفظ» این رساله‌ها ان‌الله بعد التوفیق سبحان.

مبیین آقای بهراند نژاد اضافه کرده‌اند. باید بدانم شد که در ادبیات عرفانی ما هرجا سخن از «مناقبه» می‌آید به یک حدیث قدسی اشاره دارد. آنجا که پروردگار جهانبان می‌فرماید: «سَقَتْ رَحْمَتِي عَشِيْبِي» یعنی همیشه رحمت من بر حشمت و غضبم مسفت دارد.

آقای داریوش سلطانی نژاد، دیر غنوم تجربی از جیرفت، پیشنهاد کرده‌اند که در مجله، مسائل و نکات اخلاقی و بند آموز در سطح معلومات همگرا آن فرهنگ‌ها به صورت داستان یا خاطره از لحن معصومین (ع) - استادان بزرگ نقل شود. همچنین پیشنهاد کرده‌اند

رابطه با آموزش چچه‌ها و ترغیبشان برای نوشتن و پرورش استعداد های هبزی شان فعالیت می کند، در ایس مرکز برای بچه‌هایی که کارهای هبزی قابل قبولی ارائه دهند پرونده تشکیل می شود و از طریق ارسال کتب و جزوات آموزشی برای آنها سعی می شود استعداد آنها در مسیر درستی هدایت و پرورش یابد. در مجموع باید بگویم که ما توانسته ایم حتی محله را در میان بچه‌ها که ملاً باز بکنیم.

سؤال - لطفاً بفرمایید شما در تنظیم محتوای مجله آیا دیدگاههای خاصی دارید؟ مثلاً توجه خاصی به مسائل و مشکلات دوره نوجوانی دارید؟ مثل مشکلات درسی، آموزشی، عقیدتی، روحی، اجتماعی؟ و آیا برای شما کدامیک از این مسائل اهمیت بیشتری دارد.

ج - طبیعی است که ما به روحیات و حسیات مخاطبان محله توجه خاصی داریم. از این نظر، پرداختن به مشکلات درسی، روحی، اجتماعی و روانی دانش آموزان برای ما بسیار اهمیت دارد. بخش مهمی از مجله که از همان ابتدای انتشار مجله تا حال ثابت مانده بخش ایام دزد دل کی است این بخش پاسخگوی مشکلات خاصی است که بچه‌ها در ایس سن دارند، با بخش دیگری داریم بنام «راه آینده» که پاسخگوی مشکلات درسی و انتخاب رشته و مشکلات آموزشی بچه‌ها می باشد. در مورد مسائل عقیدتی بچه‌ها نیز بخصوص ارسال برنامه‌ریزی حساب شده‌ای کرده‌ایم که یکی از آنها پرداختن به مسئله نماز برای عزیزان نوجوان است. که تقریباً در هر شماره مطلبی چاپ کرده‌ایم و بسیار هم مورد استقبال قرار گرفته است. ضمن اینکه در کل مطالب مجله ارتباط خاصی با هم دارند. ارتباطی که نوجوانان عزیز را در پیدا کردن مشکلاتشان یاری می دهد.

سؤال - آیا معلمان مدارس راهنمایی هم با شما ارتباط دارند؟ و آیا، علاقه دارید آنها هم با شما ارتباط داشته باشند. در واقع می خواهیم بدانیم انتظار متقابل شما و معلمان از یکدیگر چیست؟

ج - بله بسیاری از معلمان عزیز دوره راهنمایی لطف می کنند و مطالبی را برای ما ارسال می کنند. گاهی نظرانشان را در مورد محتوای مجله به ما می گویند، ما را راهنمایی می کنند؟ پیشنهاد می دهند در مورد مطالب مجله، و در بسیاری از موارد هم مطالب خوبی برایمان ارسال می کنند که بسیاری از آنها را در مجله چاپ کرده‌ایم. ما بسیار علاقه مندیم که دوستان و همکاران عزیزمان و معلمان دوره راهنمایی هر بقدر، پیشنهاد و یا مطلبی را که حس می کنند متناسب با مخاطبان این مجله و مورد استفاده برای نوجوانان دوره راهنمایی می باشد ارسال کنند. روشن است که معلمان دوره راهنمایی، مسامحترین افرادی هستند که می توانند ما را - بخصوص در رابطه با مطالبی که با کتابهای درسی دوره راهنمایی مربوط می شود و یا مسائل پرورشی و فرهنگی و غیره یاری دهند.

سؤال - در گذشته دیده شد که شما یکی دو شماره ویژه نامه درسی هم داشتید، ولی آن کار دنبال نشد. لطفاً در این باره هم توضیح دهید.

ج - ما در یکی از دوره های مجله رشد نام جوان ۸ صفحه را اختصاص دادیم به مطالب درسی بچه‌ها تحت عنوان ویژه نامه درسی. در این صفحات، ما روشهای مختلف حل مسائل و شیوه های درک مطالب کتابهای درسی را برای دانش آموزان چاپ می کردیم و استقبال بسیار گسترده‌ای هم از آن شده است. متأسفانه به علت محدودیتی که در تعداد صفحات مجله داشتیم این کار را متوقف کردیم. با این حال در نظر داریم از دور آینده انشاء الله مجدداً این صفحات را به مجله اضافه کنیم. در این زمینه بخصوص من از معلمان عزیز دوره راهنمایی درخواست می کنم که ما را کمک کنند. به هر ترتیبی که خود صلاح می دانند، اگر شیوه جدیدی دارید، در ارائه مطالب، اگر روش خاصی دارید، برای حل مسائل اگر پیشنهادی دارند برای بهتر شدن این صفحات، حتماً مطالبشان را برایمان ارسال کنند.

سؤال - نیمی از مخاطبان شما قاعدتاً خواهان نوجوان هستند آیا مجله شما سهم ویژه‌ای در انعکاس مسائل این گروه دارد؟

ج - بسیاری از مطالب مجله بیس خواهران و برادران عزیز دوره راهنمایی مشترک است اینکه ما واقعاً سهم خاصی را برای ارائه مطالب خواهران عزیز دوره راهنمایی داشته باشیم به واقع به صورت تخصصی نداریم، شاید یکی از عیبهای این مجله و مجلات دیگر، که در سطح بچه‌های دوره راهنمایی منتشر می شود همین - شد، ما سهم ویژه‌ای را نتوانسته‌ایم برای این گروه قائل شویم، که البته این موضوع در جلسه تحریریه نیز مطرح شد و قرار بر این شد که در این زمینه نیز مطالبی را در مجله بگذاریم.

سؤال - اخیراً شاهد انتشار مجله رشد مرداران نوجوان بودیم و گویا برای اولین بار است که چنین مجله‌ای منتشر می شود. در این باره نیز اگر توضیحی بدهید مفید خواهد بود.

ج - ما، در ارتباط با مناطق مرزی کشور واقعاً باید جدی تر و فعال تر برخورد کنیم. در همین رابطه چندین قبل پیشنهادی از طرف شورای مناطق مرزی آموزش و پرورش مطرح شد، در مورد چاپ مجله‌ای با عنوان «رشد مرداران نوجوان». ما چند ماه در مورد محتوای این مجله فکر کردیم و برنامه‌ریزی کردیم و نویسندگان مختلف مشورت نمودیم که حاصل آن، مجله‌ای شد با محتوای اسلامی و ایرانی برای مرداران نوجوان و عبور ایران اسلامی، و هم‌نظیر که گفتم برای اولین بار بود که چنین نشریه‌ای در کشور به چاپ رسید. و ما امیدواریم از دوره‌های آینده هم بتوانیم چاپ این مجله را ادامه دهیم.



تمرین زبان انگلیسی
Supplementary Book (1)

مؤلفان: دکتر مهدی نوروزی - دکتر پرویز بیوجندی
شهبلا زارعی - غلامحسین محمودی
انتشارات شورا - ۱۳۷۳
۱۲۰ صفحه - ۲۴۰۰ ریال

این کتاب که حاصل تلاش گروهی از مؤلفان کتاب‌های درسی زبان می‌باشند، آموزشی در زبان آموزی است چرا که مؤلفان با وقوف و آگاهی به اهداف آموزش زبان در دوره ابتدایی، سعی کرده‌اند لغات، عبارات و نمونه‌های دستوری این کتاب را در سطح ساده بودن، هماهنگ با کتاب درسی و در راستای اهداف آن باشد. این کتاب سعی شده است ساختارهای دستوری را در بنیادهای گوناگون معرفی شوند. این تمرین‌ها که از هر درس گسی و شفاهی می‌باشند، دانش‌آموزان را به تدریج از مرحله تکواکب و تکواکب به مرحله ساختار هدایت می‌کند.

هنر در مدرسه



هنر در مدرسه
تألیف: جان لنکستر
مترجم: دکتر میر محمد سید
عاصم زاده
انتشارات مدرسه - ۱۳۷۳
۲۲۲ صفحه - ۳۰۰۰ ریال
کتاب «هنر در مدرسه» را اگر چه نویسنده انگلیسی‌ال‌برای نوشتار نوشته است ولی با توجه به اینکه

خواندن و انجام دادن آزمایش‌های این کتاب سرمایه سرگرمی است که هم برای نوجوانان لذت بخش است و هم بزرگسالان را به وجد می‌آورد. جوشاندر آب به کمک یخ، مشاهده یک قوطی استوانه‌ای که روی سطح شیبدار می‌غلتاید و برخلاف انتظار میرود می‌رود سرگرم کننده و لذت بخش است. در این آزمایش‌ها و بازی‌ها نکته است که به آنها بر اساس قویت و حقه نیستند بلکه یادآور نظم طبیعت اند.



تاریخچه و مقررات ورزشها
نویسنده: هوشنگ فتحی
انتشارات مدرسه، چاپ دوم ۱۳۷۲
۳۰۴ صفحه - ۲۳۵۰ ریال

مطالعه کتاب ورزشها این تصور عمومی را که معلم ورزش به چیزی جز اتوب «و» میدان انبوهی ندارد باطل می‌سازد. این کتاب شامل دو فصل است. فصل اول شامل ورزش رورخانه و فصل دوم شامل ورزشهای بومی است. در بخش اخیر جمعاً ۳۱ نوع ورزش بومی معرفی و شرح داده شده است که از جمله می‌توان به ورزشهای دور و میدانی، کششی، نشاء، اسب سواری، بسکتبال، فوتبال، وزنه برداری و اسکی اشاره کرد. بخش‌هایی از قبیل فرهنگ ورزش و رورخانه‌ای، ادبیات رورخانه‌ای، معرفی مرشدان معروف و همچنین کتاب ساده و روان کتاب و عکسها و تصاویری متنوع و علاوه بر اینها، شیوه‌آموزشی کتاب، آرزوی مطالعه معلمان مخصوصاً معلمان ورزش است. سودمند ساخته است.

تفکرات و تأملات



اما هنگامی که به اعماق رسیدم، سیار آرام شدم



خانه ام به من می گویند: «مرا ترک نکن، زیرا که گذشته تو در من سکونت دارد، و جاده به من می گویند: «بیا و مرا دنبال کن، زیرا که من آینده تو هستم»، و من به خانه ام و به جاده می گویم: «من به گذشته ای دارم، به آینده ای، اگر در اینجا بمانم، در مماندن من رفتن هست و اگر بروم در رفتن من ماندن هست. تنها عشق و مرگ همه چیز را دیگرگون می کند»



واقعیت شخص در آن چیزها نیست که او بر تو آشکار می کند، بلکه در چیزهایی است که نمی تواند بر تو آشکار کند. بنات این اگر می خواهی او را فهم کنی، نه آنچه می گویند گوش مده، بلکه نه آنچه نمی گویند گوش کن.



درختان شعرهایی هستند که زمین بر آسمان می نویسد. ما آنها را قطع می کنیم و از آنها کاغذ می سریم تا بتوانیم حکایت بیه بودن خود را بویسیم.



به من می گویند: «اگر تو خود را شناسی، همه انسانها را خواهی شناخت» و من می گویم: تنها زمانی که من در جست و جوی همه انسانها باشم، خود را خواهم شناخت.



شریعت و دینخانه ای است از روشنی که از مابقی اندیت به سوی اندیت روان است.



حیران خلیل جبران، شاعر و فیلسوف و نقاش عرب در نزدیکی کوه لبنان به دنیا آمد. این ناحیه ای است که بسیاری از پیامبران از آنجا برخاستند. میلیونها مردم عربی زبان که با ائلا او آنت هستند، او را نابغه زمان خودش می دانند. اما شهرت این مرد بزرگ از سرزمینهای عربی فراتر رفت و جهان گیر شد. اشعار او به بسیاری از زبانهای رنده دنیا و از جمله به زبان فارسی ترجمه شده است.

حیران بیست سال آخر عمرش را در امریکا گذراند و در آنجا به زبان انگلیسی هم آثاری نوشت. مشهورترین کتاب او «پاییز» نام دارد که در چند سال اخیر دو ترجمه از آن به فارسی منتشر شده است. کتابهای معروف دیگرش عبارت است از: «شن و کف»، «یک قطره اشک و یک لیخنده»، «بالهای شکسته»، «تفکرات و تأملات» و «جامعه نرین».



همین دیروز بود که خود را در سپهر حیات دره ای لرزان و بی آهنگ احساس می کردم. اما اکنون می دانم که خود سپهرم، و حیات به تمامی در من به صورت ذراتی آهنگین در جنبش است.



آنان به هنگام بیداریشان به من می گویند: تو و جهانی که در آن زیست می کنی، چیزی نیستند مگر دانه ای شن بر ساحل بیکرانه دریایی بیکران، و من در جواب به آنان می گویم: «من دریای بیکرانم و همه جهانها چیزی نیستند مگر دانه های شن بر ساحل من».



در همه زندگی تنها یک بار خاموش ماندم و آن هنگامی بود که مردی از من پرسید: «تو کیستی؟»



هنگامی که خداوند مرا همچون دانه ای ریگ در این دریایچه شگفت آور افکند، رویه آرام آن را با دایره های بی شمار موج آشفتم.

